

گفت‌وگو با امیرداد خوشبخت، کارگردان «آبادان بازده ۶۰»

## وقتی قصه از واقعیت می‌گوید، تصنع جایی ندارد

صفحه ۱۹

گفت‌وگو با حسن کاظمی، تهیه‌کننده «آبادان بازده ۶۰»

## زاویه‌ای تازه برای پرداخت به جنگ

صفحه ۲۲

سام کلاتری، کارگردان مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست»

## قصه‌ای از مشکلات و موفقیت‌های دختران تیم هاک

صفحه ۲۴

# فیلمنامه

بولتن مجازی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر  
شماره نهم، دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۸

بازخوانی خاطرات برگزاری جشنواره فجر با محمد مهدی حیدریان

## تپش و دغدغه جذاب جشنواره فجر

شرح در صفحه ۳۰



گفت‌وگو با مجید برزگر،  
کارگردان «ابر بارانش گرفته»

## بزنگاهی برای عبور از چهارچوب‌های قدیمی





## شناسنامه

نشیوه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

مدیر مسئول: ابراهیم رازو غم‌زاده

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی جشنواره)

سرپرست: سیده علیپور

همکاران تحریریه: پریسا سامانی، ژاژایگانان، زهره نجفی و فاطمه محسنی

یادداشتار: فاطمه اشتری، علی افشار، سوریضا صامی و مهیلا علیپور

مدیر هنری: علی شکور

ویزیتاوشید: امجد طاهر

دیپلوماتیک: محمد حسن حسینی

ارتیک: زینب فلاح، مهدی منتصری و مهرداد انصاری

عکس: معین باقری، مهلا بیانی، سحر مصداق، پانهمن منظورطلب، مهیار

صلح‌زاده، سحر لطیف و صبا آفرانو

## فهرست

۳ سرافقانه به قلم علی اصغر کشانی

۴ خیرها

۶ نشست خبری فیلم «شقایق پروانه»

۸ نشست خبری «ممن صدای جانوران»

۱۰ نشست خبری فیلم «تومان»

۱۷ معرفی فیلم جای بازی روز شنبه «دربار سحر سینمایی ملت»

۱۵ گفتگو با مجید زرگر، کارگردان «ایران با شش برقیه»

۱۹ گفتگو با سردار خوشبخت، کارگردان «آبادان بازده ۶»

۲۲ گفتگو با حسن گلای، هم‌نویسنده «آبادان بازده ۶»

۲۴ «جای بازی فرشته‌ها نیست» به روایت کارگردان

۲۵ «ایفجان» به روایت بیونیا حمادی

۲۶ اینفورماتیک «چه نسانی حقیقت چنگل را بریزد» سینما اقتلندند»

۲۸ فیلم‌های تازه از اتفاقات و شخصیت‌های واقع در قاج مقدس

۳۰ بازخوانی خاطرات روزگار جشنواره فجر با امجد محمدی خید بران

۳۲ گزارش تصویر



◀ علی اصغر کشانی

## ماهيج، ما نگاه

نسبت واقعیت و بازنمایی یکی از حساس‌ترین جنبه‌های طراحی و پی‌افکنی شخصیت در پرده هنر فیلم است. شخصیت واقعی گرچه حاوی ابعاد دراماتیک، عناصر کنتراستیک و بارقه‌های پرفراز و فرود ناشی از ارتباطات پیرامونی (طبیعی/ انسانی) و به طور کلی درون‌متنی و بیرون‌متنی است، اما آن چه بیش از هر چیز چالش نگارش تصویری برای برون‌فکنی قواعد واقعی به عناصر نمایشی را شکل می‌دهد، نشانه‌شناسی جنبه‌هایی است که قرار است از مابه‌ازاهای رئالیستی تبدیل به مولفه‌های انتزاعی با در نظر گرفتن خصوصیات تصویری گردد. شخصیت، علاوه بر فراگردهای ذهنی (که در ادبیات شاکله‌های رمان و ناول‌ها بر آن بنا می‌شود)، برگرفته از پاره‌های شکل گرفته از احساسات پنج‌گانه بیانی (بدنی، گفتاری، شنیداری و...) است، که سینمای داستانی تا حدودی قادر به انتقال آن روی پرده سینماست.



سینما علاوه بر این، تشکیل شده از تکنیک‌ها و نماهایی (نقطه نظر، ذهنی، سوپزگتیو، سوپرایمپوز و...) که در کمک به انتقال جنبه‌های معرف شخصیت‌ها از کارکرد بیان‌گرایانه منحصر به فردی می‌تواند بهره بگیرد تا گامی از واقعیت‌گرایی به بازنمایی برداشته شود.

گرچه عناصر نمایشی بیش از هر چیز نیازمند اقتباس از مبانی ذهنی یا پژوهش منبعث از واقعیت‌های پیرامونی است، اما آن چه به ایجاد ساختار و شکل‌گیری یک شخصیت در هنر فیلم کمک می‌کند، قواعد بسته شدن فونداسیون و آناتومی پرسوناست. قواعدی که اجازه نمی‌دهد واقعیت به تمامی خود را بر جنبه‌های ذاتی رئالیستیک بنا کند و بر همین اساس خود را بر هر چه نمایشی‌تر شدن و فاصله گرفتن از مابه‌ازاهای بیابان‌گزنده و گاه‌کشنده واقعیت خام می‌کشاند.

ژانر جنگ (در ایران دفاع مقدس) در دوران اولیه خود، نسبت به سنت موجود در سایر گونه‌های سینمایی، از شخصیت‌پردازی‌های صفر و صدی‌تر خود که لازمه سینمای تجاری و بدنه بود، بهره برد. اما این سینما از میانه دهه ۷۰ و با فاصله گرفتن از جنبه‌های قطعیت‌گر در شخصیت‌پردازی سراغ عناصری از پرداخت پرسوناژ رفت تا قرار است بیش از پیش به واکاوی درونی تضادها، به کندوکاو ذهنی آدم‌ها و به قبض و بسط شهودی شخصیت‌ها علاقه دارد.

گرچه در اوایل دهه ۹۰ با به وجود آمدن سازوکارهای حرفه‌ای‌تر در مرحله سینمای جنگ گردآوری آثار به جامانده از جنگ در قالب خاطرات، نگارش متن‌های ادبی، رمان‌ها، داستان‌های بلند و نیمه‌بلند اندک اندک فاصله آدم‌های واقعی جنگ با عناصر نمایشی، مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

اما آن چه از حجمه این گرایش و از تدقیق ماحصل چند اثر به جامانده در این چندساله قابل ارزیابی است، نوع ساختارزدگی، واقعیت‌گرایی، نمایش‌زدایی و شخصیت‌گریزی از آدم‌هاست. یعنی قاعده افراط در عناصر نمایشی که باعث شکل‌دهی به بافت شخصیت‌ها، قهرمان‌ها و اسطوره‌های جنگی در دوران اولیه شده، حالا تبدیل به واقعیت‌زدگی، افسون‌زدایی و پناه بردن به مابه‌ازاهای ضددراماتیک شده است.





کوتاه از اخبار روز دوم

## جشنواره فیلم فجر سراسر ایران را فراگرفت

دومین روز جشنواره فیلم فجر سی و هشتم فضای متفاوتی داشت. از اولین ساعات شروع جشنواره، پردیس سینما گالری ملت (سینمای رسانه) مملو از خبرنگاران، عکاسان و فیلم بردارانی بود که برای تماشای فیلم‌های «شنای پروانه»، «بی صدا حلزون» و «تومان» در سالن‌های سینما حاضر شده بودند. فیلم‌های جشنواره هم‌زمان در دیگر شهرهای کشور هم در حال نمایش است و هر روز سینما داران این شهرها خبرهایی از برگزاری جشنواره فیلم فجر در شهرشان ارسال می‌کنند. پردیس سینمایی چارسو هم به عنوان سینمای هنرمندان و سینماگران میزبان عوامل فیلم‌هاست. بازیگران فیلم‌های حاضر در جشنواره در سینماهای مختلف مردمی حضور پیدا می‌کنند تا مردم را به تماشای فیلم‌هایشان تشویق کنند. گلاب آدینه برای نمایش فیلم «آتابای» نیکی کریمی به پردیس سینمایی باغ کتاب رفت و امیرمهدی ژوله و بانپال شومون به عنوان مهمانان ویژه در کنار محمد کارت، محمد حسین مهدویان و علی درخشنده در پردیس سینمایی ایران مال حضور پیدا کردند. فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا هم در اولین روز نمایشش که یکشنبه ۱۳ بهمن بود، در پردیس سینمایی گالریا به سانس ویژه رسید.



## یزد، کرمان و بوشهر میزبان جشنواره فیلم فجر شدند

سینما مهتاب کرمان برای اولین بار به عنوان سینمای اصحاب رسانه کرمان انتخاب شده است. بخش آرای مردمی و انتشار جدول ارزش‌گذاری روزانه منتقدان این شهر از دیگر فعالیت‌هایی است که در سینما مهتاب کرمان اتفاق می‌افتد. در شهر بوشهر، سینمای شهید آوینی میزبان اهالی این شهر است.

هم‌زمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر در تهران، ۵۴ سالن سینما در مراکز استان‌ها میزبان جشنواره فیلم فجر شدند. این سینماها ۱۸ فیلم از فیلم‌های منتخب جشنواره فیلم فجر و جشن سیمرغ پروانه‌ها را برای علاقه‌مندان به نمایش درمی‌آورند. پردیس سینمایی تک یزد میزبان اهالی این شهر است.



## اختصاص هزینه افتتاحیه جشنواره فیلم فجر کردستان به سیل‌زدگان



تقدیر ویژه از ۱۰ اثر برگزیده خبر داد و توضیح داد: «این مسابقه هم‌زمان با جشن سیمرغ پروانه‌ها برگزار می‌شود.»

استان کردستان هم به تبعیت از محل اصلی برگزاری جشنواره فیلم فجر هزینه مراسم افتتاحیه این جشنواره را به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان بخشید.



عبید رستمی، سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان، در این باره گفت: «در طول این هفت روز ۱۸ فیلم اکران می‌شود و برای نخستین بار امسال مراسم افتتاحیه نخواهیم داشت و هزینه‌های آن طی هماهنگی انجام‌شده توسط معاونت هنری و انجمن سینمای جوانان استان کردستان با معاونت هنری و انجمن سینمای جوانان سیستان و بلوچستان به سیل‌زدگان سیستانی اختصاص خواهد یافت.» رستمی هم‌چنین از برگزاری مسابقه ویژه‌ای با عنوان «نامه بچه‌های کردستان به بچه‌های سیستان و بلوچستان» و

## تقدیم سانس چارسو به جان‌باختگان حیات اخیر

چه شکل است.» کارگردان فیلم «دشمنان» هم‌چنین با بیان این‌که روزهای غم‌انگیزی را پشت سر گذاشتیم، اکران سانس فیلم خود را در پردیس سینمایی چارسو به جان‌باختگان حوادث اخیر تقدیم کرد.

رویا افشار، بازیگر این فیلم، بیان کرد: «گروه «دشمنان» تلاش کردند کاری درخور شما و مردم تولید کنند. آرزوی سربلندی و روزهای خیلی خوب برای مردم دارم.» هم‌چنین علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، در دومین روز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر در پردیس چارسو و سالن اکران این فیلم حضور پیدا کرد.

در دومین روز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر، فیلم «دشمنان» به کارگردانی علی درخشنده با حضور عوامل در پردیس سینمایی چارسو به نمایش درآمد.



پیش از آغاز این فیلم، درخشنده در پاسخ به پرسشی درباره بودجه کم ساخت فیلم «دشمنان»، گفت: «هر فیلم بودجه خودش را دارد. با توجه به شرایط و اتفاقات دوروبرمان ما مستقل‌ترین مستقل‌ها شدیم.» این کارگردان رقم بودجه فیلم خود را که در بخش «نگاه نو» این دوره جشنواره به نمایش درمی‌آید، اعلام نکرد و گفت: «گفتن بودجه فیلم چیز پیچیده‌ای نیست. همه اهالی سینما می‌دانند بودجه فیلم به

## اعلام برنامه نمایش تکرار فیلم‌های دو روز اول جشنواره

ساعت ۱۸ «قصیده گوسفید» و «بی‌صدا حلزون» ساعت ۲۰ «سه کام حبس» و «شش‌نای پروانه» در سالن‌های ۶ و ۸ به نمایش در خواهند آمد. از روز سه‌شنبه هر روز فیلم‌های به نمایش درآمد در روز قبل تکرار خواهند شد.

فیلم‌های دو روز اول به نمایش درآمد در سینمای رسانه در روز سوم تکرار می‌شوند. دوشنبه ساعت ۱۴ فیلم‌های «مهدی عراقی را بکش» و «دم ازدها»، «قصه دختران فروغ» و «دابرا»، ساعت ۱۶ «عامه‌پسند» و «تومان»





نشست خبری فیلم «شنای پروانه»

## فیلمی درباره جنوب همه شهرها

نشست خبری فیلم «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت، اولین نشست روز دوم جشنواره فیلم فجر سی و هشتم بود. حسین دوماری و سامان لطفیان نویسنده، امیر آقایی، جواد عزتی، پانته آ بهرام، طناز طباطبایی، علی شادمان، مه لقا باقری، آبان عسگری بازیگران، سعید حسنلو طراح صحنه، اسماعیل علیزاده تدوین گر، غزاله معتمد طراح لباس و عظیم قرابینی طراح چهره‌پردازی از عوامل دیگر فیلم بودند که در این نشست حاضر شدند. سیدرضا صائمی منتقد نشست فیلم «شنای پروانه» بود و اجرای نشست‌های خبری روز دوم جشنواره را منصور ضابطیان بر عهده داشت.

### تداوم در مسیر

رضا صائمی با بیان این مطلب که اعتقاد به نقد صریح فیلم به این سرعت پس از نمایش فیلم ندارد، گفت: «این فیلم تداوم فیلم‌سازی محمد کارت در ساخت فیلم‌های مستند و کوتاه‌ش است و از تجربه فضای زیسته او می‌آید. موضوع ملت‌بند اجتماعی این فیلم نقطه قوتی بود که برای من جذاب بود. آن چیزی که «شنای پروانه» را از فیلم‌های این چنینی جدا می‌کند، نگاه مستقل فیلم‌ساز به موضوع و شخصیت‌هایش است.» او ادامه داد: «خوشنوی که در این فیلم می‌بینیم، علیه خشونت است و در انتها مخاطب از چنین شخصیت‌هایی حس تنفر پیدا می‌کند.» صائمی با اشاره به تاثیر تجربه زیسته خود کارگردان در فیلم گفت: «این فیلم محصول زیسته خود کارگردان است. اگر «خون‌مردگی» را دیده باشید، با این فضا آشنا هستید و این تداوم همین مسیر است.

وقتی نخستین فیلم فیلم‌ساز وارد بخش سودای سیم‌رغ می‌شود، تجربه این کارگردان را نشان می‌دهد و این‌که او بازیگر خوبی هم هست.»

### تجربه زندگی من در پس ساخت این فیلم بود

محمد کارت در ادامه این نشست با تشکر از رسول صدرعاملی تهیه‌کننده، مازیار هاشمی مجری طرح و محمد رنجکشان سرمایه‌گذار درباره چگونگی شکل‌گیری ایده فیلم گفت: «پروسه ساخت این فیلم به شدت پیچیده و شرایط آن سخت بود. ما هشت ماه منسجم روی فیلمنامه کار کرده و با شخصیت‌ها زندگی کردیم. روایت‌های مختلفی را تجربه و هرکدام یک بار سکانس‌ها را بازنویسی کردیم. من با این فضا غریبه نیستم و در شهرهای مختلف و جنوب شهر فیلم ساختم و می‌توانم بگویم که تجربه ۳۰ و اندی ساله زندگی من در پس ساخت این فیلم بود.»



الان ببینیم هر کسی قاب خود را شکسته و نقش جدیدی را خلق کرده، یا تجربه جدیدی را امتحان کرده است. من تنها این تیم را پشتیبانی کردم. او در پاسخ به یکی از سوال‌ها درباره کند بودن ریتم فیلم در بعضی بخش‌ها گفت: «من در سالن‌های مختلف که فیلم را دیدم، به صورت مخاطبان نگاه کردم و مطمئنم که ریتم نمی‌افتد و فکر نمی‌کنم تغییری در فیلم صورت بگیرد.»

### به خودم اجازه دادم رگ گردنم بیرون بزنم

امیر آقایی هم ضمن تشکر از رسول صدرعاملی درباره حضورش در فیلم «شنای پروانه» گفت: «روزی که محمد کارت به من زنگ زد، من خندیدم. چون فکر کنم اساسا تعریفی از من در سینما وجود دارد که فرد شق‌ورقی هستم. اما من نیاز به تحقیقات میدانی نداشتم. من هم مثل محمد از طبقه‌های آآمد که نصف دوستانم زیر خاک هستند و برخی دیگر زیر حکم. من تنها خاطراتم را از زیر خاک بیرون آوردم. بعد از خواندن فیلمنامه این حق را به خودم دادم که یک بار در سینما رگ گردنم بیرون بزنم.»

### این فیلم درباره جنوب کل شهرهاست

جواد عزتی هم درباره نقش خودش گفت: «خیلی خوش گذشت و این گروه درجه یک بود. تک‌تک بازیگران در فیلم نقش درستی داشتند و هیچ‌کدام شوااف نبودند، بلکه عاشق سینما بودند و این لذت‌بخش بود.» او در توضیح این سوال که سینما چه میزان در بیان معضلات حاشیه‌نشینی و جنوب شهر موفق عمل کرده است، گفت: «این فیلم درباره جنوب شهر تهران نیست، بلکه درباره جنوب کل شهرهاست. درام این فیلم بر اساس انتقام نیست، بلکه مسیری است که قهرمان طی می‌کند. شخصیت انتقام شخصی نمی‌گیرد، بلکه تصمیم هوشمندانه‌ای می‌گیرد که به نفع جمع است.»

### حرف فیلم را دوست داشتم

طناز طباطبایی درباره این که چرا حضور در این نقش کوتاه را قبول کرد، گفت: «وقتی فیلمنامه را خواندم، فکر کردم چرا این نقش را به من پیشنهاد داده‌اند. ولی بعد از خواندن تمام فیلمنامه متوجه شدم چرا محمد کارت به من این نقش را پیشنهاد داد. چند مسئله وجود داشت که من نقش را انتخاب کنم. من حرف فیلم را دوست داشتم و می‌توانم بگویم یکی از دغدغه‌مندترین فیلمنامه‌هایی بود که در چند سال اخیر خواندم.» او با اشاره به نقش پروانه بیان کرد: «من تنها این شخصیت فیلم را دوست داشتم و دلم نمی‌خواست در نقش دیگری حضور داشته باشم. محمد کارت درباره نقش پروانه توضیحاتی به من داد و از من خواست که ریسک کنم و نتیجه را به آینده بسپاریم. این نقش به اندازه یک نقش بلند برای من کار کرده است. خوش بختانه محمد کارت در این فیلم به هر دو قولش عمل کرد.»

### من ریسک‌پذیر هستم

پانته‌آ بهرام هم درباره حضور کوتاهش در فیلم «شنای پروانه» گفت: «من با محمد کارت هم‌بازی بوده و می‌دانستم بازیگری را می‌شناسد. وقتی به من پیشنهاد داد، می‌دانستم که حتما این نقش ویژگی و سوسه‌انگیزی برای یک بازیگر دارد. او می‌دانست که من ریسک‌پذیر هستم و در نهایت هم به خاطر بازی در این نقش موهایم را زدم.» او با اشاره به این که فیلم برخلاف ظاهر مردانه‌اش به شدت فمینیستی است، چون زن‌های فیلم قربانی می‌شوند، توضیح داد: «نقشی که من در فیلم داشتم، از چهره و زنانگی‌اش برای این‌که شرایط دیگری برایش تعریف نشده، می‌گذرد. هر چه زن در فیلم می‌بینیم، قربانی شرایطی هستند که ساخته مردهاست.»

### من تنها این تیم را پشتیبانی کردم

کارت با اشاره به حضور مثر مثر داوودنژاد در این فیلم که در نشست حضور نداشت، گفت: «تک‌تک آدم‌های حاضر در فیلم بهترینشان را رو کردند و این جو باعث شد







نشست خبری فیلم «بی صدا حلزون»

# فرصتی برای دیده شدن ناشنوایان

نشست خبری فیلم «بی صدا حلزون» به کارگردانی بهرنگ دزفولی زاده، دومین نشست روز دوم جشنواره فیلم فجر سی و هفتم بود. مرتضی شایسته تهیه کننده، محمدرضا رهگذر نویسنده، هانیه توسلی، علیرضا جلالی تبار، مجتبی شکر بازیگران فیلم، رضا شبیری زنجانی آهنگ ساز، افسانه صمدزاده طراح صحنه و لباس، محمدرضا جان پناه فیلم بردار و امین انتشاری مدیر جلوه های ویژه بصری از دیگر عوامل فیلم بودند که در این نشست حضور داشتند. سحر عصرآزاد منتقد نشست فیلم «بی صدا حلزون» بود و اجرای نشست های خبری روز دوم جشنواره را منصور ضابطیان بر عهده داشت. این نشست به دلیل موضوع فیلم که درباره ناشنوایان بود، از سوی رابط ناشنوایان با زبان اشاره هم زمان ترجمه می شد.



## نقدی به بشر امروز

سحر عصرآزاد، منتقد، در ابتدای این نشست گفت: «رویگرد بهرنگ دزفولی زاده برایم بسیار اهمیت داشت، زیرا در درون مایه و متن، نقدی به بشر امروز دارد. هم چنین مشکلاتی که این قشر در جامعه دارند، در طول این فیلم بیان می شود.» او ادامه داد: «فکر می کنم ما در سینمای امروز به تنوع مضمون و کاراکترهای نمایشی نیاز داریم. فیلم از آن فیلم های خوبی است که باید به آن فرصت دیده شدن داد تا بیشتر به این موضوعات پرداخته شود.»

## فرصتی برای دیده شدن ناشنوایان

بهرنگ دزفولی زاده، کارگردان فیلم «بی صدا حلزون»، در ابتدای نشست با اشاره به ساختار فیلم گفت: «ساختار و قصه فیلم این را می طلبد که با ریتمی آرام به این مسئله نگاه کنیم، زیرا به افراد ناشنوا باید فرصتی برای دیده شدن می دادیم.» مرتضی شایسته، تهیه کننده، درباره چرایی فعالیت کم خود در سال های اخیر گفت: «دو سال فعالیت

کمتری داشتم، اما از سال ۹۶ تا کنون پنج فیلم تمام کردم و در حال حاضر به دنبال کارهای جدید هستم.» محمدرضا رهگذر، نویسنده، درباره شکل گیری ایده «بی صدا حلزون» توضیح داد: «ایده ها باید در جریان بیان قصه در کنار هم قرار بگیرند. زمانی که قتل یک شخص باعث عمل یک کودک ناشنوا می شود، باید به این موضوع این گونه نگاه کرد که آیا ارزش مرگ یک انسان را داشته است؟!»

## می خواستم این فیلم اکران عمومی داشته باشد

دزفولی زاده درباره نحوه پرداخت این فیلم به ناشنوایان گفت: «از اول قصدم این بود که فیلمی در این ارتباط بسازم، چون فقط در هفته های خاصی به ناشنوایان پرداخته می شود. هم چنین در انتخاب بازیگران برایم مهم بود از بازیگرانی استفاده کنم که تکلیفشان با زبان بدنشان مشخص باشد.» او ادامه داد: «می خواستم این فیلم اکران عمومی داشته باشد تا مردم با ناشنوایان ارتباط بهتری داشته باشند و در

«با چندین نفر برای یادگیری زبان ناشنوایان تمرین می‌کردم. حتی صدای نیمه‌شنوایی را در تلفن همراهم ذخیره کرده بودم و سعی می‌کردم آن را بازی کنم. در حین فیلم‌برداری من با این عزیزان هم‌زیستی داشتم و در جمعی بودم که تعدادی شنوا و ناشنوا حضور داشتند. چیزی که برایم جای تعجب داشت، این بود که بسیاری از خانواده‌های ناشنوا علاقه ندارند فرزندشان کاشت حلزونی داشته باشند.»

### آهنگ‌ساز فیلم بانگیزه بود

درفولی‌زاده با اشاره به تحقیق‌هایی که پیش از فیلم‌برداری انجام داده، گفت: «هم‌زیستی و هم‌فکری خوبی با آقای رهگذر داشتم. او نیز بر قصه‌ای که نوشته بودیم، تأکید داشت. زمانی که فیلمنامه را نوشتیم، از کانون ناشنوایان با ما تماس گرفتند و گفتند می‌توانید کاشت حلزونی را به نمایش بگذارید.» او با اشاره به سرمایه‌گذاران فیلم «بی‌صدا حلزون» گفت: «پولی که برای ساخت فیلم مصرف می‌شود، باید پاک و درست باشد. بعضی از سرمایه‌داران دانش کمتری درباره سینما داشتند. در آخرین مرحله زمانی که سمعک پاسخ‌گو نباشد، آن فرد ناشنوا به سمت کاشت حلزون سوق داده می‌شود.» کارگردان «بی‌صدا حلزون» درباره آهنگ‌سازی گفت: «یک سری ذهن‌ها هستند که تصاویر بهتری تولید می‌کنند و نگاه کلیشه‌ای ندارند. آهنگ‌ساز این فیلم انگیزه و سواد خوبی داشت و بین باقی آهنگ‌سازان از همه بیشتر برایم جذاب بود.»

### موسیقی را از گوش یک فرد ناشنوا می‌شنویم

رضا شبیری زنجانی، آهنگ‌ساز فیلم، درباره حس‌وحالش برای اولین حضورش در جشنواره گفت: «بسیار خوشحالم که امشب این‌جا حضور دارم و از آقای درفولی‌زاده تشکر می‌کنم. این فیلم اولین تجربه ساخت فیلم سینمایی من است.» او ادامه داد: «سعی کردم در این فیلم به خاطر موضوع از یک‌سری المان‌ها استفاده کنم و موسیقی را از گوش یک فرد ناشنوا بشنویم. برای همین خودمان صدا به فیلم اضافه کردیم تا به نقش‌ها بیشتر نزدیک شویم.»

### صدای هائیه توسلی بیننده را نمی‌ترساند

کارگردان فیلم «بی‌صدا حلزون» درباره بازیگران این فیلم توضیح داد: «در سینمای ایران انتخاب بازیگر بسیار مهم است. در این فیلم بازیگر چهار ماه طول کشید، زیرا می‌خواستیم از کسی استفاده کنیم که بتواند از عهده بازی در این فیلم برآید. صدای هائیه توسلی زیر است و بیننده را نمی‌ترساند، صدای او باعث ناراحتی مخاطبان نمی‌شود و می‌توانند با این کاراکتر همراه شوند.» او با اشاره به مضمون فیلم ادامه داد: «فیلم درباره حق خواهی است که امیدوارم با مطالبی که شما درباره آن می‌نویسید، این صدای حق خواهی و فیلم شنیده شود. فکر نمی‌کردم فیلمم در بخش سودای و فیلم‌های دیگر دوستانم نادیده گرفته شود، اما با این حال، باز به انتخاب داوران احترام می‌گذارم.»



این راه از بازیگر حرفه‌ای برای بیشتر دیده شدن استفاده کردم.»

### به دنبال تبلیغ عمل کاشت حلزون نبودم

درفولی‌زاده در پاسخ به این سوال که آیا این فیلم تبلیغی برای عمل کاشت حلزون است، توضیح داد: «من می‌خواستم اطلاعاتی را درباره ناشنوایان و این‌که آیا باید در انجام این عمل تردید داشته باشند، مطرح کنم. هیچ‌گونه تبلیغی برای این عمل نکردم، بلکه برای درک بیشتر افراد ناشنوا در جامعه تلاش کردم.» او هم چنین در پاسخ به چرایی استفاده از درام برای بیان این معضل گفت: «با توجه به فیلمنامه احساس کردم باید به این شکل داستان را روایت کنم و در این بستر نگاهی به مشکلات ناشنوایان داشته باشم. ۲۰ سال است در این باره فیلمی ساخته نشده و با این درام می‌توانستم مردم را با معضلات ناشنوایان آشنا کنم. کاشت حلزون بخشی از فیلمنامه بود و اصلاً قصد تبلیغ نداشتم. درام قصه باعث شد به این موضوع بپردازم.»

### با ناشنوایان هم‌زیستی داشتم

هائیه توسلی، بازیگر نقش الهام، درباره این فیلم گفت: «اولین چیزی که درباره این نقش وجود داشت، این بود که باید هم‌زمان هم با زبان ناشنوایان آشنا شوم و هم روی حرف زدنم به عنوان یک نیمه‌شنوا آمادگی پیدا کنم. رسیدن به این مهم نیاز به تمرین زیادی داشت و حدوداً دو ماه قبل از فیلم‌برداری تمرین کردم.» او درباره نقش خود توضیح داد:





نشست خبری فیلم «تومان»

# چالش‌های زندگی قماربازها در بندر ترکمن

نشست خبری فیلم «تومان» به کارگردانی مرتضی فرشباف، سومین نشست خبری دومین روز از سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود که با اجرای منصور ضابطیان برگزار شد. سعید سعدی تهیه‌کننده، میرسعید مولویان بازیگر، امین شریفی صداگذار، مهدی سعدی تدوین و مرتضی فرید طراح صحنه از دیگر عوامل فیلم «تومان» بودند که در این نشست حاضر شدند. خدایار قاقانی هم منتقد این نشست خبری بود.



## این فیلم زبان سینمایی را بسط می‌دهد

قاقانی، منتقد، در ابتدای نشست در ارتباط با فیلم گفت: «در مورد «تومان» حرف زدن سخت است. باید در موردش نوشت، نه این‌که در این زمان کم حرف زد. مخاطب‌های فیلم دو گروه علاقه‌مند و غیرعلاقه‌مند هستند. زبان بصری فیلم یک گشایشی را در این دو روز ایجاد کرده است و ما را جلو می‌برد.» او ادامه داد: «این فیلم زبان سینمایی را بسط می‌دهد تا با ابعاد فنی جدی‌تر آن را ببینیم. فیلم‌برداری درجه‌یکی در این فیلم دیدیم و سکانس بازی صربستان خیلی پیچیده و سخت بود که فیلم‌بردار کار شاهکاری در این بخش انجام داده بود.» او با اشاره به نقش‌های فیلم گفت: «نقش داوود

خیلی خوب ایفا شده بود و بازیگر اجازه می‌داد احساس نزدیکی با او داشته باشیم.» قاقانی با این توضیح که به واسطه فراگیر بودن فوتبال و علاقه‌مندی به آن، همه آدم‌های فیلم به دغدغه‌های این حوزه نزدیک هستند، توضیح داد: «ما در این فیلم می‌توانیم مفهوم جدیدی ببینیم. ایراداتی نیز در فیلم وجود دارد که کارگردان قطعاً باید برای نمایش عمومی تغییراتی را اعمال کند.»

## من زاده بندر ترکمن هستم

فرشباف در خصوص موضوع فیلم توضیح داد: «دلیل انتخاب اقلیم بندر ترکمن به این دلیل بود که من زاده آن منطقه هستم و با فرهنگ آن آشنایی دارم. به دنبال این





همکاری سایر بازیگران و کمک آن‌ها به شکل‌گیری درست این نقش کمک کرد.» فرش‌باف درباره تغییر فصول فیلم «تومان» گفت: «با تغییر فصل دنیای فیلم و اتفاقاتی که برای کاراکتر می‌افتد، همه بخش‌های فیلم با یکدیگر درگیر هستند.» او در پاسخ به سوالی مبنی بر چندپارگی در روایت توضیح داد: «در این فیلم مقطع چندروزه از یک فصل را می‌بینیم و مجدداً قطع می‌شود. چون داستان مرتبط با قمار است و می‌خواهد ساختارهای مختلف و چالش‌های زندگی قماربازها را نشان دهد.» کارگردان «تومان» ادامه داد: «در فیلمنامه به دنبال جاه‌طلبی بودیم و سکانس بازی ایران و مراکش برای این بود که مخاطب تمرکز خود را روی رابطه داوود و یونس بگذارد و از فضای توجه به بازی فاصله گیرد.»

### فقط به دنبال نشان دادن زیبایی منطقه نبودیم

فرش‌باف در ارتباط با سرمایه‌گذاری فیلم گفت: «سرمایه‌گذاری این فیلم کاملاً خصوصی است و هیچ ارگان دولتی مشارکت نداشته است.» او با بیان این‌که در ساخت این فیلم فقط به دنبال نشان دادن زیبایی آن منطقه نبودیم، گفت: «درباره روایت فیلم هم باید بگویم همه چیز درگرو بازی بازیگران است. طراحی لباس و نگه داشتن راکوردها در برخی صحنه‌های اسب‌سواری این فیلم به گفته طراح فیلم از سخت‌ترین نوع طراحی‌ها بوده است.» مهدی سعدی نیز در ارتباط با تدوین فیلم گفت: «در تدوین فیلم باید به بافت جغرافیای فیلم احترام بگذاریم و این نسخه برای ارائه در جشنواره کاملاً مناسب بود. این راه هم باید بگویم که در زندگی حرفه‌ای‌ام این فیلم یکی از بهترین کارهایی بوده که انجام داده‌ام.»

بودم که فضای تازه‌ای برای ساخت فیلم در سینمای ایران انتخاب کنم.» او ادامه داد: «این منطقه چندین سال است با موضوع شرط‌بندی درگیر است و تمام شهر در آخر هفته به این موضوع توجه می‌کند. اتفاقات آنی این فیلم تأثیر زیادی روی حرکت دوربین و بخش‌های مختلف فیلم داشت.»

### منتظر دریافت بازخوردها هستیم

سعدی درباره دغدغه‌های تهیه‌کنندگی «تومان» گفت: «(نوآوری و جسارت این فیلم، من را به ساخت آن جذب کرد. برای این‌که مخاطب را از دست ندهیم، قطعاً پس از گرفتن بازخوردها، تغییرات لازم را اعمال خواهیم کرد.» فرش‌باف درباره تأثیر مهدی سعدی، تدوین‌گر، در ساخت این فیلم گفت: «او در تمام مدت کنار گروه بود و همه مدلی را به همراه او در تدوین و چیدمان امتحان کردیم. در این اکران نهایت بخش‌بندی درست را ارائه دادیم تا پس از اکران جشنواره بازخوردها را دریافت کنیم.» کارگردان «تومان» در ادامه گفت: «احساس می‌کنم اگر زمان فیلم کوتاه‌تر از این شود، حس زیبایی‌شناختی فیلم را درگیر می‌کند.»

### به دنبال جاه‌طلبی بودیم

مولویان در خصوص ایفای نقشش در فیلم توضیح داد: «زمانی که فیلمنامه را تحویل گرفتم، بخش مهم کاراکتر در فصل‌های مختلف فیلم، نظر من را جذب کرد.»





معرفی فیلم‌های روز سه‌شنبه در پردیس سینمایی ملت

# از فیلمی با بازی شهاب حسینی تا فیلم تازه مهدویان و نیک‌نژاد

«آن شب» تنها فیلم شهاب حسینی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر است که در روز سه‌شنبه، چهارمین روز جشنواره فجر، روی پرده خواهد رفت. هم‌چنین محمدحسین مهدویان هم «درخت گردو» را در این دوره از جشنواره پیش روی مخاطبان خواهد گذاشت. «دوزیست»، مستند «خسوف»، محسن استادعلی و فیلم کوتاه «اشغال» علی عزیزی دیگر فیلم‌های روز چهارم هستند.

## آن شب

حضور شهاب حسینی در نقش اصلی فیلم سینمایی «آن شب» موجب شد اخبار این فیلم بسیار مورد توجه قرار بگیرد. همین‌که حسینی در فیلمی که در آمریکا مقابل دوربین می‌رفت، به ایفای نقش می‌پرداخت، خود کافی بود تا توجه رسانه‌ها را به خود جلب کند و انتشار اخبار و تصاویر آن با استقبال روبه‌رو شود. کوروش آهاری، کارگردان «آن شب»، در اولین فیلم سینمایی خود سرغ نوعی از قصه‌گویی و فیلم‌سازی رفته که چندان در ایران متداول نیست. اولین فیلم سینمایی او قصه‌ای معمایی دارد و ماجرای زوجی ایرانی را روایت می‌کند که در هتلی در آمریکا محبوس می‌شوند. این ماجرای غیرمنتظره خود آغاز اتفاق‌های تازه‌ای است؛ اتفاق‌هایی که نه‌فقط دوروبر آنان، بلکه میان خودشان هم رخ می‌دهد. آن‌ها به رازهایی پی می‌برند که در همه این سال‌ها از یکدیگر پنهان نگه داشته بودند. مواجهه با رازهایی قدیمی فضایی معمایی و رازآلود در نخستین اثر سینمایی آهاری رقم می‌زنند.

## درخت گردو

محمدحسین مهدویان با فیلم «درخت گردو» به سرغ موضوعی مهم و داغ از دفاع مقدس رفته است؛ بمباران شیمیایی سردشت؛ واقعه‌ای که از آن به عنوان یکی از فجیع‌ترین تهاجم‌های شیمیایی بعد از بمباران هسته‌ای هیروشیما نام می‌برند. پیش از این، بهرام توکل با فیلم «برف سرخ» در سال ۱۳۹۵ به سرغ واقعه بمباران شیمیایی سردشت رفته بود، اما تولید این فیلم تنها پس از چند روز فیلم‌برداری متوقف شد. با توجه به این موضوع فیلم «درخت گردو» اولین فیلم سینمایی است که به این واقعه می‌پردازد. مهدویان تغییرات بسیاری در گروه سازنده فیلمش به وجود آورده و از بازیگرانی همچون مه‌رمان مدیری، پیمان معادی و مینا ساداتی در «درخت گردو» استفاده کرده است. حتی سیدمصطفی احمدی که بیشتر تهیه‌کنندگی پروژه‌های مدیری را بر عهده می‌گیرد، تهیه‌کننده این فیلم است. مهدویان با «ایستاده در غبار» موفق به کسب جایزه ویژه هیئت داوران بخش فیلم‌های اول شد.

## دوزیست

«دوزیست» را باید چهارمین فیلم کارنامه برزو نیک‌نژاد دانست. او پیش از این فیلم‌هایی چون «ناخوابسته»، «زاپاس» و «لونه زنبور» را کارگردانی کرده بود. این کارگردان در فیلم جدید خود قصه‌ای از دل جامعه را بیان کرده است. جواد عزتی و هادی حجازی‌فر که در این سال‌ها به زوج پرکار سینمای ایران بدل شده‌اند و در این دوره از جشنواره هم چند فیلم دیگر دارند، در فیلم «دوزیست» هم کنار یکدیگر قرار گرفته و به ایفای نقش پرداخته‌اند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «حمید دوزیسته دیگه، نره زیر آب که، میره زیر دست و پاله می‌شه.»

جواد عزتی، هادی حجازی‌فر، ستاره پسیانی، مجید نوروزی، پژمان جمشیدی، مانی حقیقی، الهام اخوان و سعید پورصمیمی در این فیلم بازی می‌کنند.

## خسوف

محسن استادعلی متولد ۱۳۶۱ تهران و دارای مدرک کارشناسی سینماست. از جمله مستندهای او می‌توان به «عادت می‌کنیم»، «سکوت»، «دم صبح»، «جایی برای زندگی» و «زنانگی» اشاره کرد. این مستند به تهیه‌کنندگی محسن استادعلی و مسعود زارعیان در کارگاه فیلم مستند تهیه شده است.

در خلاصه داستان «خسوف» آمده است: «می‌گن این خسوف طولانی‌ترین خسوف قرن بیست‌ویکه، شیش ساعت و سیزده دقیقه و چهل وهشت ثانیه، سایه زمین روی ماه می‌افته و تو این مدت خبری از مهتاب نیست، خبری از نور نیست...»

## اشغال

علی عزیزی با فیلم کوتاه «اشغال» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی خودش در جشنواره فیلم فجر حضور دارد. او متولد سال ۶۷ و دارای مدرک کارشناسی سینماست.

داستان فیلم در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال تهران به دست نیروهای متفقین است. یک سرباز انگلیسی با یک بیمار ایرانی در بیمارستانی هم‌اتاق می‌شود و رابطه‌ای میانشان شکل می‌گیرد.

گفت‌وگو با مجید برزگر، کارگردان «ابر بارانش گرفته»

## بزنگاهی برای عبور از چارچوب‌های قدیمی

گفت‌وگو با مهرداد خوشبخت، کارگردان «آبادان یازده ۶۰»

## وقتی قصه از واقعیت می‌گوید، تصنع جایی ندارد

گفت‌وگو با حسن کلامی، تهیه‌کننده «آبادان یازده ۶۰»

## زاویه‌ای تازه برای پرداخت به جنگ







### خلاصه داستان

سارا، بازم می‌خوام برام توضیح بدی. مرد جوان، چون نجاتم دادن خوشحالین؟ سارا، موضوع این نیست. می‌خوام بدونم چرا دوباره اینکارو کردی؟ مرد جوان (به نظر از دست سارا کلافه است): نهنگ‌ها رو دیدی؟ حتی اونا هم حق دارن. سارا، دوست داری همه ببینن؟ مرد جوان آرام نگاهش می‌کند. مرد جوان: شماها هم عقبش می‌اندازین. حیوون‌ها هم دست خودشونه! سارا، تو می‌دونی با این تعداد نمی‌شه. نهنگ‌ها تصمیم‌شون جدیه وقتی میان ساحل.

### عوامل

فیلمنامه نویس: مجید برزگر، آرمان خوانساریان، مدیر فیلم برداری: مسعود امینی تیرانی، چهره پرداز: الهام صالحی، طراح صحنه: لیلا نقدی پری، طراح لباس: لیلا نقدی پری، تدوین: حمیدرضا برزگر، صدا پرداز: ایرج شهزادی، صداگذار: ایرج شهزادی، موسیقی: لودودویگ وان بتهوون (انتخابی)، جلوه‌های ویژه میدانی: آرش آقاییگ، جلوه‌های ویژه بصری: محمدثانی، عکاس: حمیدجانی پور بازیگران: نازنین احمدی، علی ثانی فر، مزدک میرعابدینی، ارشیا نیک‌بین، حمیدرضا مالکی، پریسا بهپوری، سورن مناساگانیان، کاوه هادی مقدم، ناهید حدادی



گفت‌وگو با مجید برزگر، کارگردان «ابر بارانش گرفته»

# بزنگاهی برای عبور از چهارچوب‌های قدیمی

نژاد پیکانیان

مجید برزگر در چهارمین فیلم سینمایی خود «ابر بارانش گرفته» همانند ساخته‌های قبلی‌اش اثری شخصیت محور ساخته است. او دوربین خود را این بار از تهران خارج کرده و در شمال کشور قصه پرستاری را گفته که در مواجهه با بیماران به تصمیمی برای درمان آنان می‌رسد. او فضایی متفاوت را در کار خود به تصویر کشیده است. برزگر از کارگردانان مستقل سینمای ایران است که در آثارش می‌توان سلیقه و خط فکری خاص او را مشاهده کرد. حالا باید دید این کارگردان در اثر جدید خود چه فضایی را به نمایش گذاشته است.

کم شود، یا مطرح نباشد. ولی به هر حال، همان‌طور که اشاره کردم، از همان موقع این نکته وجود دارد و فیلم‌سازی که صاحب سبک یا نگاه شخصی خودشان هستند، در سینمای ایران فعالیت می‌کنند. شاید اصلی‌ترین شاخصه سینمای ایران به عنوان یک گزاره در جهان هم متعلق به این گروه باشد؛ فیلم‌سازی که صاحب نگاه شخصی و سبک خودشان هستند و با اصرار بر آن علی‌رغم همه مشکلات، دوام آوردند و کار کردند.

قطعاً شما هم جزو کارگردان‌هایی هستید که پایبندی به مسیری که در ذهنتان دارید، برایتان دغدغه است. در طول سال‌های فعالیتتان گزیده کار کردید و در فیلم‌هایتان هم

آقای برزگر! از نگاه شما به عنوان یک فیلم‌ساز مستقل، در وضعیت حال حاضر سینمای ایران، فیلم‌سازی که دغدغه فیلم هنری ساختن دارد، چقدر می‌تواند با توجه به شرایط، به مسیری که در این راه در ذهنش طراحی کرده است، پایبند بماند و فیلم‌های شخصی خودش را بسازد؟

در طول تاریخ سینمای ما، به خصوص از اوایل دهه ۴۰ که سینمایی جدید در ایران شروع می‌شود، همواره این بحث مطرح بوده است و نکات زیادی در این باره وجود دارد. در همه این سال‌ها موارد بسیاری از جمله مسائل مالی، سانسور و نظارت‌ها به علاوه وسوسه‌های خود فیلم‌ساز برای جلب نظر مخاطب، باعث شده لحن و زبان شخصی خیلی در فیلم‌ها





### نگاه شخصی‌تان را حفظ کردید. ماندن در این مسیر سخت نیست؟

طبیعتا سخت است و ترجیحا برای من که به شکل حرفه‌ای کار سینما نمی‌کنم و از منظر حرفه، فیلم‌هایم در چرخه اکران، درآمد‌ها و سرمایه نیست، فرصتی را برای خودم مهیا می‌کنم که دغدغه‌های ذهنی‌ام، چه در مفهوم و معنا و چه در فرم و شکل، فیلم‌شود؛ آن هم به عنوان کسی که سینما را چه از حیث تئوریک و چه از حیث اجرایی دنبال می‌کند. برای من تلاش برای جست‌وجو در زبان سینما و سرک کشیدن به گوشه و کنار این مدیوم جذاب است و طبیعی است در این مسیر و در این چشم‌انداز، آزمون و خطا وجود داشته باشد.

### شخصیت‌ها در فیلم‌های شما پرنگاند و محوریت آدم‌ها هستند، در فیلم جدیدتان، «ابر بارانش گرفته»، این موضوع به چه شکل است؟ در این فیلم هم تکیه روی شخصیت‌ها را می‌بینیم؟

بله، این فیلم هم یک فیلم شخصیت‌محور است. «ابر بارانش گرفته» داستان پرستاری است که در مواجهه با بیماران خودش و کمک به کم کردن درد آن‌ها تصمیم‌هایی می‌گیرد. «ابر بارانش گرفته» هم مانند سه فیلم قبلی من شخصیت‌محور است، اما این بار در فضایی متفاوت.

### و این مسئله قدری کار شما را به عنوان کارگردان سخت‌تر می‌کند؟

اگر این شیوه سختی داشته باشد، چون آن را انتخاب کرده‌ام، طبیعتا شرایطش را هم می‌پذیرم. فیلم‌های حادثه‌محور می‌توانند فرصت‌های سریع‌تری برای انتقال قصه باشند، اما این روند در فیلم‌های شخصیت‌محور می‌تواند سخت‌تر شود و این نگرانی وجود داشته باشد که اگر تماشاگر با شخصیت همراهی نکند، این هم‌حسی را از دست بدهد. فیلم‌های من درباره آدم‌های معمولی است که در بزنگاه‌ها یا شرایطی تصمیم‌هایی می‌گیرند که آن‌ها را تبدیل به آدم‌های دیگری می‌کند. این مسئله همیشه برای من جالب بوده که داستان آدم‌های معمولی دوروبرم را تصویر کنم.

### این مسئله در انتخاب بازیگران‌تان چه تاثیری می‌گذارد؟ با این شرایط کار بازیگران فیلم‌های شما هم سخت‌تر می‌شود. درست است؟

بله، طبیعتا وقتی تمام بار بازی روی دوش یک بازیگر است، کار او سخت‌تر خواهد شد. واقعیت این است که نگاه من به مقوله بازیگری از چند جهت است؛ اول این‌که تلاش می‌کنم بازیگران کمتر شناخته شده‌ای را برای فیلم‌هایم انتخاب کنم، البته این به این معنا نیست که آن‌ها بازیگر نیستند، اتفاقا همه‌شان تجربه بازی دارند و بازیگرند. اما من سعی می‌کنم تازه بودن و طراوت را با انتخاب بازیگران کمتر شناخته شده به فیلم منتقل کنم. از طرفی می‌خواهم از شکلی از بازی که از نقش‌آفرینی رئالیستی ملودرام دور می‌شود-که گاهی به بازی‌های سرد تفسیر می‌شود- یا شکلی از بازی «مدل»-وار که برایم جالب است، استفاده کنم. من معمولا هنرپیشه‌هایی را انتخاب می‌کنم که بیشترشان بازیگران تئاتر هستند و توانایی بازی‌های درام دارند، ولی از آن‌ها می‌خواهم با یک فاصله‌ای با نقش برخورد کنند. البته گاهی اوقات این مسئله می‌تواند برای تماشاگری که بازی‌های رئالیستی-ملودرام را در سینما می‌بیند، کمی سرد به نظر بیاید، اما این انتخابی است که من دارم؛ چه در بازی گرفتن و چه در انتخاب بازیگران. برای شجاعت و تلاش بازیگران اصلی‌ام احترام زیادی قائلم.

### در فضا و سبک کاری شما، ویژگی خاص فیلم «ابر بارانش گرفته» چیست؟

«ابر بارانش گرفته» فیلم چهارم من است. من بعد از سه‌گانه «فصل باران‌های موسمی»، «پرویز» و «یک شهروند کاملا معمولی» که به فضایی کاملا شهری و با موضوعاتی تقریبا اجتماعی پرداخته بودند، در «ابر بارانش گرفته» به سمت فضای متفاوت‌تری رفتم. البته برخی مولفه‌ها و فضاها در فیلم جدیدم نیز هست. تقریبا نیمی از این فیلم در شمال کشور و در باران می‌گذرد و می‌توانم بگویم فضایی کمی شخصی‌تر نسبت به سه فیلم قبلی‌ام دارد. این فیلم کمی شاعرانه‌تر است و موضوعاتی مثل امید، معجزه و مرگ تم اصلی آن را شامل می‌شود، که ممکن است نسبت به فیلم‌های اجتماعی امروز-در ظاهر- موضوعات دورتری باشد.

### درباره فضای فیلم‌برداری و لوکیشن‌هایتان هم که به نظر بیشتر بیرونی هستند، برابمان بگویید.

پرستار داستان ما تا نیمه فیلم در بیمارستان و خانه‌هایی در تهران است، اما سفری برایش پیش می‌آید که ناچار می‌شود به مقصدی دیگر برود. این سفر، سفری معنادار و خاص است که من شمال را برای آن انتخاب کردم. لوکیشن یک ویلا در شمال است که مردی که مرگ مغزی شده، در آن جا بستری است و پرستار نیز برای مراقبت از او به آن ویلا می‌رود. بخش عمده‌ای از طراحی فضای این فیلم، برعهده طراح صحنه و لباس بود که بیمارستان، آن خانه و فضا را برای این موقعیت خاص فیلم مهیا کند. این فیلم بسیار متکی به فضا،





حضور سرسختانه و شجاعانه ای داشتند. از جعفر پناهی تا محمد رسول اف. از وحید و کیلی فر تا محمد شیروانی. از بهتاش صناعی‌ها تا آیدا پناهنده و تعدادی دیگر از همکاران ما. در سال‌های اخیر سینمای ایران در جشنواره‌های معتبر با این آثار حضور داشته است. همراهی منتقدان پی‌گیر سینما در داخل نیز نشان می‌دهد تلاش‌های زیادی در این زمینه شده است. من هم به عنوان کارگردانی که دغدغه فعالیت در این حوزه را دارم، به این فکر می‌کنم که در کارنامه‌ام، چه فیلم‌هایی که می‌سازم و چه آثاری که تهیه می‌کنم، فیلم‌هایی برخاسته از فکر و نگاه خودم به سینما باشد.

**■ آقای برزگر! از نگاه شما سینمای ایران در بعد هنری‌اش در این سال‌ها چقدر توانسته رو به جلو حرکت کند و به سمت تولید آثاری برود که محصول هنری محسوب می‌شوند؟**

فیلم‌های هنری که با شکل و شمایل و تعریفی جدیدتر نسبت به سایر آثاری که در سال‌های قبل می‌دیدیم، مثل سینمای کیارستمی، ارائه شوند. واقعیت این است که شرایط نظارتی، سانسور، غلبه پول و سرمایه و از طرفی گران شدن فیلم‌سازی سینمای مستقل و هنری، شرایط سختی برای فعالیت در این فضا فراهم کرده است. هیچ‌گونه حمایتی از این سینما نمی‌شود، اگرچه هم‌چنان فیلم‌هایی با این حال‌وهوا ساخته می‌شوند، اما این فیلم‌ها در بخش‌های خصوصی تولید می‌شود و طبیعتاً شرایط مالی برای ساخت و تولید این فیلم‌ها به آسانی فراهم نیست و فیلم‌سازها در شرایط سختی اثرشان را به سرانجام می‌رسانند. در این شرایط نتیجه این می‌شود که در سال‌های اخیر فیلم‌های شاخص هنری‌مان نسبت به دهه‌های گذشته کمتر شده است. سینمای هنری و شخصی‌مان کم‌رنگ‌تر و فشار بر سینمای مستقل بیشتر شده است و عرصه بر آن تنگ‌تر. این خطر بزرگی است که سینمای هنری و مستقل را تهدید می‌کند. در دهه ۶۰ و در اوج جنگ، چه در تلویزیون، چه فابری و چه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تصمیم مدیریت فرهنگی بر این بود که فیلم‌هایی را تولید کنند که ماندگار شوند. هنوز هم وقتی راجع به سینمای ایران حرف می‌زنیم، هم‌چنان باید از «دونده»، «خانه دوست کجاست؟» و فیلم‌هایی از این دست یاد کنیم. شما بگویید در ۱۰ سال گذشته این نهادها، چه فیلم‌های شاخص هنری در این حد و اندازه‌ها ساخته شده است؟ اگرچه باید این نکته را هم بگویم که سینمای مستقل و افراد فعال در آن در این سال‌ها تلاش خودشان را کرده‌اند و فیلم‌های مهمی ساخته‌اند. اسمی بسیاری

فیلم‌برداری و صداگذاری است که تلاش بسیار زیادی نیز در این زمینه‌ها شده و همکاران من در این بخش‌ها کارهایشان را به خوبی انجام دادند.

**■ آقای برزگر! از نگاه شما سینمای ایران در بعد هنری‌اش در این سال‌ها چقدر توانسته رو به جلو حرکت کند و به سمت تولید آثاری برود که محصول هنری محسوب می‌شوند؟**

فیلم‌های هنری که با شکل و شمایل و تعریفی جدیدتر نسبت به سایر آثاری که در سال‌های قبل می‌دیدیم، مثل سینمای کیارستمی، ارائه شوند. واقعیت این است که شرایط نظارتی، سانسور، غلبه پول و سرمایه و از طرفی گران شدن فیلم‌سازی سینمای مستقل و هنری، شرایط سختی برای فعالیت در این فضا فراهم کرده است. هیچ‌گونه حمایتی از این سینما نمی‌شود، اگرچه هم‌چنان فیلم‌هایی با این حال‌وهوا ساخته می‌شوند، اما این فیلم‌ها در بخش‌های خصوصی تولید می‌شود و طبیعتاً شرایط مالی برای ساخت و تولید این فیلم‌ها به آسانی فراهم نیست و فیلم‌سازها در شرایط سختی اثرشان را به سرانجام می‌رسانند. در این شرایط نتیجه این می‌شود که در سال‌های اخیر فیلم‌های شاخص هنری‌مان نسبت به دهه‌های گذشته کمتر شده است. سینمای هنری و شخصی‌مان کم‌رنگ‌تر و فشار بر سینمای مستقل بیشتر شده است و عرصه بر آن تنگ‌تر. این خطر بزرگی است که سینمای هنری و مستقل را تهدید می‌کند. در دهه ۶۰ و در اوج جنگ، چه در تلویزیون، چه فابری و چه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تصمیم مدیریت فرهنگی بر این بود که فیلم‌هایی را تولید کنند که ماندگار شوند. هنوز هم وقتی راجع به سینمای ایران حرف می‌زنیم، هم‌چنان باید از «دونده»، «خانه دوست کجاست؟» و فیلم‌هایی از این دست یاد کنیم. شما بگویید در ۱۰ سال گذشته این نهادها، چه فیلم‌های شاخص هنری در این حد و اندازه‌ها ساخته شده است؟ اگرچه باید این

نکته را هم بگویم که سینمای مستقل و افراد فعال در آن در این سال‌ها تلاش خودشان را کرده‌اند و فیلم‌های مهمی ساخته‌اند. اسمی بسیاری در این دهه



**■ آقای برزگر! انتخاب اسم فیلم هم بر اساس فضای قصه بوده؟**

اسم فیلم برگرفته از تکه‌ای از شعر مشهور نیما یوشیج است؛ آن‌جا که می‌گوید خانه‌ام ابری است. اما ابر بارانش گرفته. آقای شمیم بهار هم در دهه ۴۰ داستانی با همین عنوان منتشر می‌کند و هر دوی این عناوین از شعر نیما وام گرفته‌اند. با توجه به حال‌وهوای فیلم این اسم را برایش انتخاب کردیم. آرمان خوانساریان، دوست و همکارم، در نوشتن فیلمنامه تلاش بسیاری کرد. تیم تولید با شرایط سخت بهترین شرایط را برایم مهیا کرد. همین‌طور همکاران دیگر فیلم، از گروه کارگردانی و فیلم‌برداری تا طراحان جلوه‌های ویژه میدانی و بصری، از همه گروه‌م ممنونم و تا همیشه سپاس گزارشان خواهم بود.

فصلنامه گفت‌وگو





### عوامل

فیلمنامه‌نویس: مهرداد خوشبخت، حسین تراب‌نژاد، مدیر  
 فیلمبرداری: مهدی جعفری، چهره‌پرداز: محمود دهقان، طراح  
 صحنه: جعفر محمدشاهی، طراح لباس: زهرا صفری، تدوین:  
 سهراب خسروی، صدابردار: جهانگیر میرشکاری، صداگذار: علیرضا  
 علویان، موسیقی: بهزاد عبیدی، جلوه‌های ویژه میدانی: محسن  
 روزبهانی، جلوه‌های ویژه بصری: جواد مطوری، عکاس: علی  
 نیک‌رفتار  
 بازیگران: علیرضا کمالی‌نژاد، حسن معجونی، نادر سلیمانی،  
 حمیدرضا محمدی، شب‌نم‌گودرزی، ویدا جوان

### خلاصه داستان

نقش رادیو نفت آبادان در شروع جنگ و تهییج و تشویق مردم به مقاومت ستودنی است.



گفت‌وگو با مهرداد خوشبخت، کارگردان «آبادان یازده ۶۰»

## وقتی قصه از واقعیت می‌گوید، تصنع جایی ندارد

مهرداد خوشبخت در «آبادان یازده ۶۰» قصه شخصیت‌هایی را روایت می‌کند که در ساختمان رادیو در آبادان حضور دارند و این حضور آنان به کمک مردم شهر می‌آید. علیرضا کمالی، حسن معجونی، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی و نادر سلیمانی در این فیلم سینمایی ایفای نقش کرده‌اند. خوشبخت در گفت‌وگویی درباره تازه‌ترین ساخته خود و ویژگی‌ها و شرایط خاص آن توضیحاتی ارائه کرد.

■ **فیلمنامه «آبادان یازده ۶۰» بر اساس طرحی از خودتان نوشته شد؟**

بله، طرح و تحقیقات فیلم متعلق به خودم است. ایده اولیه فیلم به عنوان یک دغدغه برای خودم مطرح شد و بر اساس تحقیقاتی که انجام دادم، به همراه دو نویسنده دیگر اثر کار نگارش فیلمنامه را انجام دادیم.

■ **چطور ایده اولیه اصلاً برایتان مطرح شد؟ چه چیزی در موضوع وجود داشت که شما را به سمت ساخت این اثر راغب کرد؟**

سال‌ها بود می‌خواستم درباره آبادان فیلم بسازم و چند

موضوع را دنبال کردم، که با وجود همه علاقه‌مندی‌ام برای ساخت فیلم‌هایی درباره این موضوع، شرایط ساخت آن به‌سادگی فراهم نمی‌شد. ۱۰ سال طول کشید تا بالاخره امکان ساخت «آبادان یازده ۶۰» که آن هم موضوعی مربوط به آبادان دارد، به وجود آمد.

■ **منظورتان از به وجود آمدن شرایط ساخت این است که بودجه مورد نیاز فراهم شد؟**

به‌هرحال، بودجه بخش مهمی از کار است که برای ساخت این فیلم به واسطه آن که موسسه اوج وارد جریان ساخت شد، در اختیار ما قرار گرفت.





از این رو است که وقتی هر یک از نهادهای سرمایه‌گذاری که در ایران سراغ داریم، وارد جریان ساخت فیلمی دفاع مقدسی می‌شود، به این موضوع هم نیم‌نگاهی دارد که حتما در مقابل کادر باشد و به جای مقاومت‌های مردمی، نقش و تاثیر آنان به تصویر کشیده شود.

#### ■ و موسسه اوج چنین نگاهی را دنبال نمی‌کرد؟

نه، در این جا ما محدودیتی برای این‌که نهادی یا بخشی را الزاما مقابل کادر قرار دهیم، نداشتیم و از این رو قصه «آبادان یازده ۶۰» را روایت کردیم.

■ در این سال‌ها اغلب فیلم‌های سینمایی که با حمایت موسسه اوج ساخته شده‌اند، فیلم‌هایی پرهزینه بودند که هزینه قابل توجه آن‌ها اتفاقا خرج اثر شده و در پرداخت‌های تصویری یا تعداد بازیگران استفاده می‌شد. در مورد فیلم شما نیز وضعیت به این ترتیب بود؟

نه، اتفاقا در مورد فیلم «آبادان یازده ۶۰» این‌طور نبود، البته نبودن نه به این معنا که ما پولی درخواست می‌کردیم و به ما اختصاص نمی‌دادند، اصلا فیلم ما چنان فیلم پرخرجی نبود، من قرار نبود فیلم گرانی بسازم و بنابراین فرقی برایم نمی‌کرد که پیش از این اوج فیلم‌های پرهزینه ساخته یا کم‌هزینه. مسئله این بود که بودجه مورد نیاز فیلم من که قرار بود قصه آن در ساختمان رادیو در آبادان بگذرد، تامین شود.

■ در پاسخ سوال اول، به موضوع علاقه‌مندی‌تان برای ساخت فیلمی درباره آبادان اشاره کردید، این دغدغه از کجا می‌آید؟

من آبادانی هستم و جنگ‌زده بودیم، کمترین ادای دین من به آن منطقه و آن همه اتفاقاتی که از سرمان گذشت، فیلمی است که می‌توانم با این موضوع بسازم.

■ این دغدغه این همه سال با شما بوده، در نهایت در جریان

#### ■ پیشنهاد ساخت فیلم از سوی شما با اوج مطرح شد؟

من ایده‌ای را که در ذهن داشتم و دغدغه‌ای که سال‌ها بود می‌دانستم بالاخره من را پای دوربین می‌برد، با مسئولان اوج در میان گذاشتم.

#### ■ واکنش‌ها به این سوژه چه بود؟

خوشبختانه استقبال صورت گرفت و موسسه اوج پذیرفت که پای کار بایستد و این کار را انجام دهیم. در گام اول من تحقیقات را تکمیل کردم و در ادامه به جزئیات دیگری که در فیلمنامه وجود دارد، رسیدم. نکته دیگری که می‌خواستم در پاسخ به سوال دوم مطرح کنم، این بود که برای من اصلا این یک دغدغه اساسی بود که حتما می‌خواستم فیلمم درباره مقاومت مردمی باشد. اگر نگاهی به فیلم‌های جنگی که تا کنون ساخته شده، ببینیم، اغلب می‌بینیم که توجه چندانی به مقاومت‌های مردمی صورت نمی‌گیرد و اتفاقا روایتی از این زاویه وجود ندارد. درحالی‌که می‌دانیم در بسیاری از موارد این مقاومت‌های مردمی بسیار موثر بوده‌اند و شهرها را نجات داده‌اند.

■ این بحث مقاومت شهری که اشاره کردید در سینمای ایران مورد بی‌توجهی است، اتفاقا در فیلم‌های سینمایی خارجی، چه شرقی و چه غربی که به موضوع جنگ می‌پردازد، معمولا مورد توجه است.

بله، دقیقا همین است و ما در سینمایمان نمی‌بینیم که قهرمان‌های مقاومت، مردم باشند.

#### ■ دلیل آن را چه می‌دانید؟

یکی از دلایل این است که مسئولان حمایت‌کننده از ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی مایل هستند خودشان جلوی کادر باشند و نمی‌خواهند در میان قهرمان‌های فیلم جای نگیرند.



**ساخت «آبادان یازده» چقدر به آن چه در ذهن داشتید، رسیدید؟**

۵۰ درصد.

چرا؟

به دلایل مختلف و مهم‌ترین آن تصمیمی که خودم به عنوان کارگردان گرفتم. من باید بر اساس زمان بندی صورت گرفته فیلم را می‌ساختم و از سوی دیگر، با همه چهارچوبی که امکانات مالی و زمانی و... پیش پایم قرار داده بود، می‌توانستم پیش بروم. بر همین اساس همواره کارگردان مجبور است از آن چیزی که در ذهن خود پرورانده و شاید سال‌های سال به آن فکر کرده است، فاصله بگیرد و به فیلمی نزدیک شود که امکانات و شرایط موجود زمینه ساخت آن را فراهم کرده است. این گذشتن از ایده‌ها آل و تن دادن به امکانات و شرایطی که در اطراف یک پروژه وجود دارد، از مرحله فیلمنامه و تحقیقات و کارهای نخست یک فیلم شروع می‌شود و تا پایان آن پیش می‌رود. این‌ها ما را به عنوان کارگردان اثر در معرض انتخاب‌هایی می‌گذارد که از مهم‌ترین آن‌ها باید به این نکته اشاره کنم که همواره در مواجهه با نساختن و ساختن یک فیلم ترجیح می‌دهم اگر شرایط نسبی فراهم شده، اثر را مقابل دوربین ببرم. در مورد فیلم «آبادان یازده» (۶۰) نیز بارها با خودم می‌گفتم که اگر الان نتوانم آن را بسازم، شاید دیگر اصلاً فرصت ساخت فراهم نشود و بین این فراموش کردن همیشگی ساخت فیلم یا پذیرفتن کم و کسرهای، ترجیح می‌دهم کم و کسرهای را بپذیرم و در نهایت به فیلمی برسم؛ هر چند اگر تمام آن چیزی که تصور کرده بودم، نباشد.

**آقای خوشبخت! تنوع را به وضوح در کارهایی که ساخته‌اید، می‌توان مشاهده کرد. این نکته را خودتان چطور می‌بینید؟**

من از این تنوع خیلی بدم نمی‌آید. در همه این سال‌ها خیلی متنوع و متفاوت کار کرده‌ام. البته باید این را بپذیرم که من در مورد ژانر خیلی تعصبی ندارم که در گونه خاصی فیلم‌سازی کنم. مهم برایم این است که تجربه‌هایی لذت‌بخش داشته

باشم. من دنبال این نیستم که خود را در یک ژانر خاص جا بیندازم و فقط فیلم‌های مربوط به آن را بسازم. به عنوان مثال، فیلمنامه دیگری هم درباره دفاع مقدس داشتم که اتفاقاً جایزه جشنواره دفاع مقدس را هم گرفته بود، اما هزینه‌های بالای ساخت اجازه نداد سراغ تولید آن برویم و در نهایت «آبادان یازده» (۶۰) را ساختیم که هزینه آن بسیار بسیار پایین‌تر بود و اصل کار آن در یک استودیوی رادیویی می‌گذشت.

**انتخاب بازیگران فیلمتان به چه ترتیب بود؟**

ما می‌دانستیم برای این فیلم دنبال چه گروه از بازیگران هستیم و همان گروه را انتخاب کردیم. از ابتدا قرار نبود بازیگران این فیلم سوپرستار باشند، زیرا همان‌طور که گفتم، فیلم می‌خواست روایتی از دل جامعه باشد، نه چیزی خارج از آن. در این چهارچوب اصرار داشتیم بازیگرانی که چهره آنان به عنوان مردم عادی برای مخاطبان پذیرفتنی است، مقابل دوربین بروند و در این فیلم حضور داشته باشند. در مورد جنس بازی بازیگران نیز همین نگاه را دنبال کردیم، یعنی به‌رحال می‌دانیم وقتی قرار است بازیگری در نقش مردم عادی که در معرض یک اتفاق تاریخی قرار می‌گیرند، ظاهر شود، نباید جنس بازی او خیلی متفاوت از آن چیزی که از آدم‌های کوچک و خیابان و اطراف خود می‌بینیم، باشد. علاوه بر این‌که در این فیلم وقتی قصه از واقعیت می‌گویی، تصنع جایی ندارد.

**بازیگران باید با لهجه هم صحبت می‌کردند؟**

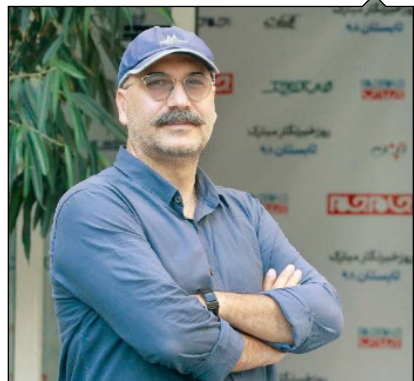
بله، به‌رحال مردم شهر لهجه‌ای داشتند که در موارد نیاز باید رعایت می‌شد. علاوه بر این‌که بازیگرانی بومی هم در فیلم بازی می‌کنند که این بازیگران خود لهجه و نوع بیان خاصی دارند.

**از نگاه شما جشنواره فجر چقدر در توجه به سینمای دفاع مقدس موفق بوده است؟**

جشنواره فجر از همه سینمای ایران یک ویتترین تشکیل می‌دهد. در دوره‌هایی در جریان برگزاری جشنواره فجر، تعداد آثار دفاع مقدسی زیاد است و در بعضی دوره‌ها کم. طبیعی است که می‌دانیم این تعداد و بالا و پایین رفتن آن اصلاً ربطی به جشنواره ندارد و مجموع محصولات بعد از گذر از هیئت انتخاب به جشنواره می‌رود و فرصت نمایش پیدا می‌کند. حالا این‌که در دوره‌ای به بعضی فیلم‌های دفاع مقدسی جایزه بیشتری تعلق می‌گیرد، به نگاه و سلیقه داوران بستگی دارد.

**قصه اصلی فیلم چیست؟**

فیلم ما دنبال تعریف یک قصه کلاسیک نیست. این فیلم در مورد هفت نفر است که داخل یک موقعیت جنگی در رادیو نفت آبادان قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند به حفظ روحیه مردم کمک کنند. آنان در گام نخست تصور می‌کنند کمک‌هایشان بی‌اهمیت است، اما در ادامه خودشان رزمنده می‌شوند و از ارکان نجات شهر و جلوگیری از سقوط آن، اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، این است که شخصیت اصلی فیلم «آبادان یازده» (۶۰) رادیو و شهر است و آدم‌های داخل ساختمان مانند مغز و دست و پای آن.





گفت‌وگو با حسن کلامی، تهیه‌کننده «آبادان یازده ۶۰»

## زاویه‌ای تازه برای پرداخت به جنگ

حسن کلامی تهیه‌کنندگی را در سینما از سال ۱۳۸۳ با فیلم سینمایی «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» به کارگردانی دکتر علی رفیعی آغاز کرد و در ادامه مسیر سراغ فیلم‌هایی رفت که بیشتر به موضوعات دفاع مقدسی نزدیک است. کلامی بر این باور است که ساخت فیلم با موضوع دفاع مقدس در حالی که حمایت‌ها از این عرصه چندان زیاد نیست، کار را برای سینماگران بسیار دشوار می‌کند. او امیدوار است با وجود برخی نهادها از جمله سازمان اوج که در سال‌های اخیر از تولید فیلم‌های دفاع مقدسی حمایت کرده است، فیلم‌سازی در این زمینه آسان‌تر شود.

خود آدم‌ها بوده، یک زمانی هم سر از کتاب‌ها درآورده، اما هنوز هم بسیاری از حقایق و مسائل روشن نشده است و پتانسیل بسیار خوبی برای فیلم‌سازی وجود دارد.

ولی متأسفانه به دلیل این‌که ما فیلم‌سازی برای دفاع مقدس را در حقیقت برای یک تفکر خاص در نظر گرفتیم، آرام آرام فیلم‌هایی که ساخته می‌شد، نوعی پروپاگاندای رو آشکار بود که مردم را آرام آرام دور کرد. در حقیقت جنگ، آن‌گونه که هست و بوده، نشان داده نشده است.

■ آقای کلامی! ساخت فیلم‌هایی با موضوع دفاع مقدس هم خیلی پتانسیل دارد، هم خیلی به آن پرداخته شده است، در سال‌های اخیر رویکرد جدیدی در سینمای جنگ را شاهد بودیم، فیلم شما چقدر سراغ این نگاه جدید رفته است و چطور شد که شما لزوم ساخت فیلمی با این موضوع را احساس کردید؟

دوران هشت سال دفاع مقدس دارای نکات و موضوعات مختلف و زیادی است. تا یک زمانی این گفته‌ها و اتفاقات با

در واقع ما می‌توانیم یک نگاه دیگری هم به مقاومت مردمی داشته باشیم و به مسائلی بپردازیم که خیلی تیر و تنگ نمی‌خواهد، ولی راجع به دفاع مقدس است. اما بگویم که ساخت فیلم دفاع مقدس سخت است.

#### ■ هم چنان سخت است؟

بله، خیلی سخت است، امکانات می‌خواهد، پول خوب می‌خواهد، زمان می‌خواهد و تقریباً همه آن‌هاهایی که باید حمایت کنند، حمایت نمی‌کنند، کاری هم به دلایلش ندارم.

در هر صورت تلاش شد این فیلم خوب ساخته شود، همه هم زحمت کشیدند. این‌که شما در تهران بخواهید آبادان را بسازید، هم کار سختی است و هم کار هزینه‌بری است. در هوای سرد تهران فیلم «آبادان یازده ۶۰» را ساختم. تلاش کردیم طوری فیلم را بسازیم که به چشم نیاید. اگر الان فیلم را ببینید، خیلی به چشم نمی‌آید و کمتر کسی متوجه می‌شود این‌جا تهران است یا آبادان، این‌جا زمستان است یا هوا گرم است.

#### ■ آقای کلامی! درباره نسبت جشنواره فجر با فیلم‌های دفاع مقدس، فکر می‌کنید چقدر جشنواره به دیده شدن فیلم‌های دفاع مقدس کمک کرده است؟

ببینید، جایزه مال جشنواره است. کسی که می‌خواهد بلیت بخرد و به سینما برود، خیلی به جایزه توجه نمی‌کند. اساساً جشنواره ما اسکار نیست که اگر کسی جایزه‌ای گرفت، با فیلمی انتخاب شد، با آن جایزه بالا برود یا فیلمش فروش برود.

#### ■ مثل «تنگه ابوقریب»؟

بله، دقیقاً. مراحل جایزه دادن و این‌ها مشکلی را حل نمی‌کند. ما باید از سینمای جنگ حمایت کنیم. این حمایت می‌تواند در شکل‌های مختلف باشد، می‌تواند در بخش فیلمنامه باشد، در بخش ساخت باشد. متأسفانه فیلم جنگی به‌ندرت می‌تواند ارکان مناسب پیدا کند و حمایت‌های تولید را داشته باشد تا فیلم بهتری تولید کند، ولی وقتی ساخته می‌شود، همه قصد بهره‌برداری دارند، به جز آن‌هایی که فیلم را ساختند.

من فکر می‌کنم اگر می‌خواهیم سینمای جنگ را ارتقا دهیم، حداقل به لحاظ کمی، متفاوت از وضعیت کنونی الان داریم، عمل کنیم، باید از فیلمنامه شروع کنیم.

باید حمایت کنیم و برنامه داشته باشیم و بدانیم از فیلم جنگی می‌خواهیم چه نتیجه‌ای بگیریم و چه استفاده‌ای بکنیم. چه نکاتی باید در آن باشد که تماشاچی را رغب کند که بیاید و در سینما بلیت بخرد. صرف این‌که بخواهیم فیلم جنگی بسازیم و یک ارگان دولتی یا نیمه‌دولتی پولش را بدهد و بعد هم بگوید با بقیه مسائل کار ندارم؛ ارکان شد یا نشد، فروخت یا نفروخت و... این رویکرد در جازدن سینمای جنگ است. ما باید این حمایت‌ها را حساب شده و با برنامه انجام دهیم تا بتوانیم جایگاه سینمای جنگی را ارتقا دهیم.

بعد از مدتی حتی ساخت فیلم‌های جنگی با توجه به شرایط کشور بسیار گران تمام می‌شود. به‌هرحال فیلم‌برداری فیلم‌های جنگی طولانی‌تر از فیلم‌های معمولی است و امکانات خاص لازم دارد. با توجه به این‌که امکانات جنگی را هم با پول می‌دهند و باید خیلی هزینه کرد، قیمت فیلم جنگی بالا رفته است. یعنی فارغ از این‌که مخاطب سینمای جنگ کم شده بود، ساخت فیلم جنگی هم نیازمند بودجه‌های زیادی بود.

در این چند سال اخیر سازمان اوج چند کار مثل «تنگه ابوقریب» ساخته است که فیلم بسیار خوبی بود، حتی هزینه زیادی کرده بودند. اما چنان‌که شایسته این فیلم بود، دیده نشد.

#### ■ با توجه به نقدهایی که دارید، فیلم شما چقدر تلاش کرده از این نقدها دور باشد، و چه نگاه متفاوتی به جنگ و آدم‌های جنگ داشته‌اید؟

ما در این فیلم به بخشی از آدم‌های جنگ نگاه کردیم که کمتر به آن‌ها توجه شده بود. آدم‌هایی که خیلی هم زحمت کشیدند، شهید دادند یا مجروح شدند، اما کمتر دیده شدند. فیلم «آبادان یازده ۶۰» راجع به رادیو ملی نفت آبادان در مقطع شروع جنگ تا ۲۵ روز بعدش، یعنی بعد از سقوط خرمشهر و حماسه شکستن حصر آبادان و حمله عراق از بهمنشیر، است. وقتی فیلمنامه را خواندیم، متوجه شدیم موضوعاتی می‌توانند وجود داشته باشند که ما به آن‌ها فکر هم نکرده بودیم.

طبیعتاً ما فقط در یک بازه زمانی ۹۰ دقیقه‌ای می‌توانیم به موضوعات بپردازیم و فرصتی بیشتر از آن نداریم، اما کم‌کم متوجه می‌شوید واقعا چه جاهایی درگیر جنگ بودند، شهید دادند، زخمی دادند، شب و روز نداشتند، فداکاری کردند و در یک جمله مقاومت مردمی را شاهد هستید. انتهای فیلم هم حتی با رفتن به جمع مردم و مبارزه با عراقی‌ها در ذوالفقاری تمام می‌شود.





سام کلاتری، کارگردان مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست»

# قصه‌ای از مشکلات و موفقیت‌های دختران تیم اسکیت‌هاکی



در همین میان و بعد از معاشرت‌هایی که من با اعضای تیم داشتم، به این نتیجه رسیدم که می‌توان با برنامه‌ریزی‌های ذهنی و طراحی‌های از پیش تعیین‌شده، از دل این اتفاق، قصه‌ای اجتماعی درآورد و آن را موضوع یک مستند قرار داد. در «جایی برای فرشته‌ها نیست» عنصر ورزش بستری برای خلق یک واقعیت اجتماعی شده است که در طول مستند می‌بینید. شاید شائبه‌هایی درباره فانتزی بودن این فیلم مطرح شده، اما نظر من به عنوان کارگردان این اثر این است که بدنه تیم ملی اسکیت و هاکی ایران، از جنس آدم‌هایی است که خیلی وقت‌ها با تعدادی از آن‌ها در اطراف خودمان برخورد می‌کنیم. آن‌ها بچه‌های ورامین و شهرری و قشر متوسط به پایین هستند که برای جایگاهی که دارند، زحمت کشیده‌اند و به تلاششان در این مسیر ادامه می‌دهند. آن‌ها حتی هزینه‌هایی را که برای کارشان می‌دهند، با زحمت خودشان و به‌سختی فراهم می‌کنند، و این یعنی آن‌ها قشری خاص از جامعه نیستند که مثلاً بگویند ما حاضر نیستیم از یک منطقه مشخص، پایین‌تر زندگی کنیم.

دغدغه من در این فیلم زنان، جوان جامعه است و در شرایط امروز جامعه ما، هر فیلمی که درباره زنان و دختران ایرانی ساخته شود و بتواند توانمندی‌ها، قدرت و تلاش و پشتکار آن‌ها در جامعه را به تصویر بکشد، به نظرم تلاشی مثبت به شمار می‌آید. این مسئله را قدمی مثبت و تأثیرگذار می‌دانم؛ البته نه از این منظر که خودم چنین فیلمی ساخته‌ام، بلکه از این جهت که اساس این اتفاق درست است. من فیلم‌ساز فیلم را می‌سازم و دغدغه طرح مسائل و مشکلات اجتماع را هم در آثارم دارم.

در این مسیر نیز تلاشم را می‌کنم تا سراغ موضوعاتی بروم که تأثیرگذار باشند و جریانی را در جامعه ایجاد کنند.

«جایی برای فرشته‌ها نیست» فیلمی با موضوع دختران تیم ملی اسکیت‌هاکی ایران است. البته ورزش بهانه‌ای است برای پرداختن به جزئیاتی از زندگی این دختران، که در طول این مستند مخاطب شاهدش است؛ زندگی شخصی دخترانی که بخشی از زنان اجتماع‌اند و با مشقت‌ها و تلاش‌های فراوان برای رسیدن به جایگاهی که مدنظرشان است، این مسیر را طی می‌کنند.

دختران تیم اسکیت‌هاکی به دلایل زیادی پتانسیل حضور در قصه این مستند را دارند و به همین دلیل پایه و اساس مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» را تشکیل داده‌اند. ما هاکی را دست‌مایه این فیلم قرار دادیم تا وارد قصه زندگی چند دختر شویم و مشکلات و موفقیت‌های زندگی آن‌ها را به تصویر بکشیم.

آشنایی من با اعضای این تیم به واسطه ارتباط خانوادگی با یکی از اعضای تیم و دعوت او از من برای حضور سر تمرین تیم شکل گرفت و جرقه اولیه ساخت این مستند از همان موقع در ذهن من زده شد. همان موقع یکی از اعضای تیم به این فکر می‌کرد که شاید امکان ساخت فیلمی درباره خودش و دوستان هم‌تیمی‌اش وجود داشته باشد. وقتی این موضوع را شنیدیم، از آن استقبال کردم.

البته پروسه ساخت مستند کمی طول کشید، چراکه ورود به چنین موضوعی و پرداختن به آن با تمام جزئیات و ریزه‌کاری‌هایی که در فیلم می‌بینید، کمی دشوار و زمان‌بر و البته مستلزم آشنایی و نشست و برخاست با این گروه بود.





(( امتحان )) به روایت سونیا حدادی

# یک تجربه شخصی و یک داستان واقعی

چون بعدتر می‌خواهند فیلم بلند بسازند. (البته متأسفانه هنوز گاهی این نگاه وجود دارد.) در صورتی که تعدادی از فیلم‌سازان برای همیشه فیلم کوتاه و ویدیوآرت خواهند ساخت، اصلاً هم پا به عرصه فیلم بلند نخواهند گذاشت. در این چند سال اخیر هم مدیریت جشنواره‌های بزرگ تلاشی نکردند تا با فیلم کوتاه به عنوان یک مدیوم حرفه‌ای برخورد کنند. اما خود فیلم‌سازان فیلم کوتاه و انجمن فیلم کوتاه که متشکل از همین فیلم‌سازان است، تلاش بسیار کردند. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر توانستند با شرکت در فستیوال‌های داخلی و خارجی (در سطح بین‌الملل) و البته دریافت جوایز، برای ایران بسیار افتخارآفرین باشند. بعد از این قضا یا بود که مدیران به خود آمدند و تصمیم گرفتند روی فیلم کوتاه کار کنند و دانستند که فیلم کوتاه می‌تواند برای صنعت سینمای ایران (اگر بتوانیم اسمش را صنعت بگذاریم) مفید باشد.

## پروژه سخت رسیدن به هدف اصلی در فیلم

فکر می‌کنم اگر می‌خواستیم به سمت و سوی پیدا کردن بودجه و سرمایه‌گذار برای ساخت فیلم برویم، شرایط بسیار سختی پیش می‌آید. اما من این فیلم را با بودجه شخصی ساختم. برای من پروژه رسیدن به هدف اصلی‌ام در فیلم (از لحاظ هنری) سخت‌تر از پروژه ساخت، مجوز و سرمایه بود.

## یک تجربه شخصی و یک داستان واقعی

دغدغه‌ام برای ساخت این فیلم یک دغدغه شخصی بود. موضوع و فضای این فیلم کاملاً برگرفته از تجربیاتم است؛ تجربیاتی که در محیط مدرسه و از رفتار بچه‌ها داشتم. خیلی مشتاق بودم این تجربیات را به تصویر بکشم، تا این‌که با موضوعی راجع به حمل مواد مخدر در مدرسه برخورد کردم. تصمیم گرفتم این دو (تجربه شخصی و داستان واقعی) را با هم بیامیزم و به تصویرشان بکشم. البته همیشه هم به نحوه برخورد مدیر، ناظم و معلم‌ها با بچه‌ها، به خصوص در مدارس دولتی، نقد داشتم.

## فیلم کوتاه دغدغه‌مند است

در کل بستر فیلم کوتاه، بستری برای بیان معضلات است، البته اگر ژانرها و ویدیوآرت‌ها را فاکتور بگیریم. فیلم کوتاه دغدغه‌مند است و در همه جای دنیا هم با زمان محدودی که دارد، خواهان صحبت راجع به موضوعی مشخص است. اصولاً این‌ها در کنار رویکردهای دیگر (سیاسی و...) موضوعات اجتماعی هستند. البته نوع روایت فیلم‌ها هم از این موضوعات می‌تواند متفاوت باشد؛ گاهی ما با فیلم‌های سورئال، گاهی با فیلم‌های داستانی و گاهی با فیلم‌های مستندوار... روبه‌رو می‌شویم.



## شاید اصلاحی نیاز باشد

چهارچوب‌گزینش فیلم‌های کوتاه در جشنواره فجر، به این ترتیب که برخی آثار که دارای شرایط تعریف‌شده هستند، می‌توانند در این رقابت وارد شوند، موجب می‌شود برخی آثار که در فاصله بین جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشنواره فجر ساخته می‌شوند، فرصت خود را برای جشنواره آن سال از دست دهند. ای‌کاش با اصلاحاتی در قوانین جشنواره فجر، این امکان برای فیلم‌های کوتاه فراهم شود. امسال جشنواره فجر برای فیلم‌های کوتاه سانس نمایش مردمی در نظر گرفته است. این اتفاق بسیار خوشایند و امیدوارکننده است؛ امیدوارکننده از این جهت که بتوانیم تصور کنیم در سال‌های آینده برای سانس‌های نمایش فیلم‌های کوتاه هم زمان بهتری در نظر گرفته شود. این‌که فیلم‌های کوتاه در سانس پایانی و بعد از نمایش مستند روی پرده می‌روند، شاید موجب شود تمرکز مخاطبان چندان بالا نباشد و در عین حال این ضرورت احساس شود که مسئولان سینما باید با رغبت و تمایل بیشتری سراغ نمایش فیلم کوتاه برونند تا سال به سال فیلم کوتاه در جایگاهی که به واقع لیاقت آن را دارد، قرار بگیرد؛ همان‌طور که در اغلب جشنواره‌های بین‌المللی شاهد هستیم.

## تلاش بسیار و افتخارآفرین فیلم‌سازان فیلم کوتاه

در سال‌های پیش فیلم کوتاه زیاد جدی گرفته نمی‌شد و نگاه‌ها هم به این‌گونه بود که اشخاص فیلم کوتاه می‌سازند،





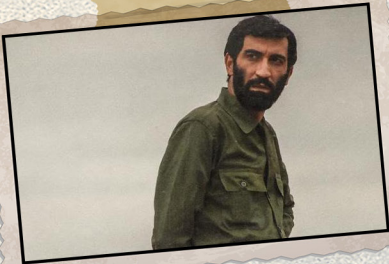


## چه کسانی حقیقت جنگ را بر پرده سینما افکندند

موضوع جنگ و دفاع مقدس از سوزهای پرترفدار در سینمای ایران است؛ فیلمسازان از سر مسئولیت‌پذیری برای نمایش رشادت‌های رزمندگان و همچنین به دلیل علاقه‌مندی به این موضوع نزدیک شده‌اند و برخی کار سخت‌تری را انتخاب کرده‌اند و شخصیت یا رویدادی واقعی را تصویر کرده‌اند.

30th FAIR FILM FESTIVAL





## ایستاده در غبار

■ کارگردان: محمد حسین مهدویان  
 ■ بازیگر نقش احمد متوسلیان: هادی حجازی فر  
 ■ جوایز: برنده ۴ سیمرغ بلورین



## ج

■ کارگردان: ابراهیم حاتمی کیا  
 ■ بازیگر نقش شهید چمران: فریبرز عرب نیا  
 ■ جوایز: برنده ۷ سیمرغ بلورین از جشنواره ۳۲



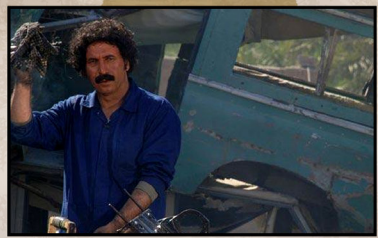
## شور شیرین

■ کارگردان: جواد اردکانی  
 ■ بازیگر نقش شهید کاوه: حمیدرضا عمارلو



## به کبودی یاس

■ کارگردان: جواد اردکانی  
 ■ بازیگر نقش شهید برونسی: داود عین آبادی  
 ■ جوایز: ۱ سیمرغ زرین و ۱ سیمرغ بلورین



## شب واقعه

■ کارگردان: شهرام اسدی  
 ■ بازیگر نقش دریاقلی سورانی: حمید فرخ نژاد  
 ■ جوایز: ۴ سیمرغ بلورین



## تنگه ابوقریب

■ کارگردان: بهرام توکلی  
 ■ اتفاق: حمله و وسیع عراقی ها به جبهه جنوب در ۲۱  
 تیرماه ۱۳۶۷  
 ■ جوایز: ۶ سیمرغ بلورین





## فیلم‌هایی برآمده از اتفاقات و شخصیت‌های واقعی دفاع مقدس از قامت افراشته در غبار تا عرفان پیچیده در «چ»

کارگردانان سینمای ایران در فیلم‌های خود که به موضوع دفاع مقدس پرداخته‌اند، گاه شخصیت‌ها و اتفاقات واقعی را سوژه اثر خود قرار داده‌اند. از جمله شاخص‌ترین این کارها می‌توان به «چ»، «ایستاده در غبار»، «به کیودی یاس»، «شور شیرین»، «شب واقعه» و «تنگه ابوقریب» اشاره کرد.

می‌کرد و همان‌طور که در این لحظه‌ها بعد عارفانه شخصیت چمران را به نمایش می‌گذاشت، در صحنه‌های جنگ و دفاع نیز قدرت و مدیریت او را پیش روی تماشاگران قرار می‌داد. فریبز عرب‌نیا هم که سه سال قبل از «چ» در فیلمی بازی نکرده بود، با نوع بازی خود امضایی ویژه پای این شخصیت گذاشت. فیلم «چ» موفق به کسب هفت سیمرغ بلورین از سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر شد.

### ایستاده در غبار

محمدحسین مهدویان با ساخت «ایستاده در غبار» در غافل‌گیر کردن مخاطبان موفق عمل کرد. او که زمان ساخت این فیلم در ابتدای راه فیلم‌سازی در دنیای حرفه‌ای سینما بود، توانست نشان دهد هم‌چنان می‌توان تصویری تازه از دوران جنگ و جبهه نمایش داد. نکته قابل توجه در مورد مهدویان و فیلمش این بود که او خود را ملزم به ارائه تصویری تکراری و فیلم زرمند نکرد، بلکه هر جا لازم می‌دانست، شخصیت

شهد چمران یکی از تاثیرگذارترین چهره‌های دفاع در ایران است و قطعا فیلم‌سازی درباره او نیازمند جسارتی است که این جسارت در ابراهیم حاتمی‌کیا مشاهده شد. او به عنوان هفدهمین فیلم سینمایی خود سرع ساخت فیلمی درباره شهید چمران رفت و نبرد پاوه و نقش شهید چمران را در جریان آن روایت کرد. حاتمی‌کیا ایفای نقش شهید چمران را برعهده فریبز عرب‌نیا قرار داد. عکس این بازیگر با کریم شهید چمران تا مدت‌ها منتشر نشد تا کنج‌کاوی برای مواجهه با او بیشتر و بیشتر شود و در نهایت «چ» در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. حاتمی‌کیا که با هر فیلم خود توانسته توجه‌ها را به خود و اثرش جلب کند، در «چ» روایتی از زاویه دیدی خاص به شهید چمران و شخصیت او ارائه کرد. چمران در چهارچوب نگاه ابراهیم حاتمی‌کیا عارفی بود که در موقعیت بحرانی توان مدیریت شرایط و ایجاد زمینه مقاومت را داشت. او قرآن بر سر می‌گذاشت و با خدای خود راز و نیاز



## شور شیرین

جواد اردکانی در فیلم دیگر خود، «شور شیرین»، زندگی شهید کاوه را مورد توجه قرار داد. او برای نگارش فیلمنامه این اثر یک سال زمان گذاشت. تحقیقاتی بسیار مفصل انجام داد و فیلمنامه را به همراه مجید یحیی‌فر و ماشاءالله شاهمرادی زاده نوشت.

بر اساس گفته اردکانی یحیی‌فر از هم‌زمان و از جمله کسانی بود که در تمام سال‌هایی که شهید کاوه در کردستان و غیر آن‌جا جنگیده بود، در کنار این شهید حضور داشت. شاهمرادی‌زاده هم از هم‌محل‌های شهید کاوه بوده که از کودکی با او نشست و برخاست داشت و علاوه بر آن، حدود چهار، پنج سال در کردستان حضور داشت و با شرایط آن زمان کردستان آشنا بود. همین آشنایی‌ها و تنوع روایت‌ها اجازه داد اردکانی به تصویری سینمایی از شهید کاوه برسد؛ شهیدی که همراهان او هنوز جزئیاتی از همراهی با او را در خاطر دارند. اردکانی در این فیلم مقطعی از زندگی شهید کاوه را به تصویر کشید که او به عنوان فرمانده معرفی شد و...



## شب واقعه

دریاقلی سورانی در شبی متوجه می‌شود دشمن به دروازه آبادان نزدیک و هر آن ممکن است این شهر را تسخیر کند. او با دوچرخه به سمت رزمندگان خودی حرکت می‌کند تا هرچه سریع‌تر خبر نزدیک شدن دشمن را به آنان برساند. قصه این شخصیت واقعی در فیلم سینمایی «شب واقعه» به کارگردانی سعید اسدی به تصویر کشیده شد. همایون شهنواز فیلمنامه این اثر را نوشت و حمید فرخ‌نژاد که خود اهل آبادان است، در نقش دریاقلی سورانی ظاهر شد. این فیلم سینمایی سه سیمرغ بلورین جشنواره فجر بیست‌وهشتم را دریافت کرد.

## تنگه ابوقریب

بهرام توکلی در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر با «تنگه ابوقریب» حضور یافت؛ فیلمی که حمله وسیع عراقی‌ها به جبهه جنوب را در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۷ به تصویر می‌کشد. این فیلم که برآمده از یک واقعه تاریخی است، توانست سیمرغ بلورین کارگردانی و بازیگری و چهار سیمرغ دیگر را برای سازندگان به دست بیاورد.

احمد متوسلیان را همچون واقعیت هر انسانی متلاطم نشان می‌داد؛ نکته‌ای که شاید به مذاق برخی خوش نیامد، اما چنان فیلمی در کارنامه مهدویان ثبت کرد که قطعاً جزو نقاط اوج کارنامه او محسوب خواهد شد.

در تصویرسازی مهدویان از حاج احمد متوسلیان آن چه به یاری او آمد، بازی مثال‌زدنی هادی حجازی‌فر بود. حجازی‌فر که اتفاقاً زمان بازی در فیلم با وجود سابقه طولانی در تئاتر، در سینما چندان فعال نشده بود، در این فیلم سینمایی نقشی به یادماندنی ثبت کرد که حتماً از این نقش او تا سال‌ها در سینما یاد خواهد شد. فیلم مهدویان که در بیست‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، موفق به کسب چهار سیمرغ بلورین شد.

## به کبودی یاس

جواد اردکانی فیلم سینمایی «به کبودی یاس» را درباره شهید برونسی ساخت، او برای ساخت این فیلم از چند کتاب و روایت‌های موجود در آن بهره برد که از جمله آن می‌توان به کتاب «خاک‌های نرم کوشک» اشاره کرد. اردکانی در گفت‌وگویی درباره تهیه اطلاعات اولیه برای ساخت این فیلم و منابعی که مورد توجه قرار داده بود، با اشاره به بهره‌گیری از کتاب «خاک‌های نرم کوشک» گفت: (آن کتاب از منابعی است که راجع به شهید برونسی کار شده. ما به دو تا کتاب دیگر هم مراجعه کردیم. برخی منابع متفرقه بود، برخی کارهای مستند تلویزیونی بود، ولی بیشترین اتکا و اعتماد ما به روایت افرادی بود که مستقیماً با شهید برونسی مرتبط بودند؛ اعم از هم‌زمانشان، دوستانشان، خانواده‌شان و... خیلی از جزئیاتی که برای تصویر کردن مورد نیاز ما بود، در آن کتاب‌ها نیامده بود و حتماً بایستی خیلی از جزئیات - اعم از مسائل شخصی شهید برونسی و مسائل جنگ - را از نزدیکان و کسانی که بی‌واسطه با ایشان در ارتباط بودند، می‌گرفتیم.)

بر اساس سخنان اردکانی این کارگردان تلاش کرده در فیلم خود به واقعی‌ترین روایت‌ها درباره شهید برونسی وفادار باشد. این فیلم سینمایی در جشنواره فجر موفق به کسب یک سیمرغ بلورین و یک سیمرغ زرین شد.





بازخوانی خاطرات برگزاری جشنواره فجر با محمد مهدی حیدریان

## تپش و دغدغه جذاب جشنواره فجر

محمد مهدی حیدریان نامی آشنا برای اهالی سینماست که همواره از او به عنوان مدیری تاثیرگذار در عرصه سینما یاد می‌شود. حیدریان از سال ۶۲ تا سال ۷۰ مدیرکل اداره نظارت و ارزش‌یابی معاونت سینمایی بود. او از سال ۸۲ تا ۸۴ در مقام معاون سینمایی وزیر ارشاد فعالیت کرد و در دهه ۹۰ نیز دوباره برای مدتی کوتاه در این سمت قرار گرفت. علاوه بر این، در تمامی این سال‌ها سینما، اتفاقات و تولیدات آن را از نزدیک دنبال کرده است. از همین رو او به عنوان یکی از متخصصان مدیریت در سینما و در عین حال به عنوان یکی از پایه‌گذاران اصول مدیریتی که در سینما شاهد آن هستیم، می‌تواند جشنواره فیلم فجر را نقد کند. همین بهانه‌ای شد تا با این مدیر با سابقه درباره سال‌های دور برگزاری جشنواره فیلم فجر و ادامه این رویداد مهم سینمایی تاکنون صحبت کنیم.

آثار ارزبایی شود. شاخصه اصلی در جشنواره‌های با اهمیت جشنواره فیلم فجر این است که تولیدکنندگان و خالقان آثار نسبت خودشان را با آن رویداد چگونه تعریف می‌کنند. به میزانی که صاحبان آثار برای شرکت در آن رویداد اصرار داشته باشند و آن رویداد برای صاحبان اصلی که صاحبان آثار هستند، اهمیت داشته باشد، می‌توانیم توفیق و اهمیت آن رویداد را ارزیابی کنیم. یادم نمی‌آید در تمام سال‌های برگزاری جشنواره فیلم فجر، سالی باشد که دست‌اندرکاران آن (منظورم تولیدکنندگان فیلم‌هاست) برای برگزاری آن لحظه‌شماری نکرده باشند. کار شبانه‌روزی و واقعا طاقت‌فرسا برای رساندن اثر به جشنواره همواره از ویژگی‌های جشنواره

آقای حیدریان! در تمامی سال‌هایی که از دور یا نزدیک جشنواره فجر را دنبال می‌کردید، فکر می‌کنید این رویداد که مهم‌ترین اتفاق سینمایی در کشور است، چه فراز و نشیبی را طی کرده و در حال حاضر در چه نقطه‌ای قرار گرفته است؟

به نظر می‌آید که ما یک پارامتر و شاخصه اساسی برای ارزیابی رویدادها داریم. رویدادهای متعدد برای این طراحی می‌شوند که فعالان و آثار آن حوزه در آن رویداد در رقابت با یکدیگر شرکت کنند. وظیفه آن رویداد فراهم کردن عرصه برای رقابت است. از طرفی این عرصه می‌تواند بستری برای نمایش و عرضه آثار برای اولین بار باشد و در نهایت هم این



در همه استان‌ها جشنواره را برگزار می‌کنیم و پاسخ آن همه مطالبه اشتیاق با این برنامه‌ریزی داده شده است. این سند و دلیلی است تا برای همه روشن شود جشنواره ارتباطتپنده، گرم و مستقیمش را با مردم حفظ کرده که در سالیان مختلف این ارتباط متقابلا بین مردم و سینما برقرار بوده است. نکته مهم دیگری که لازم می‌دانم به آن اشاره کنم، این است که همه ما می‌دانیم الان ۸۰ درصد از سینما با سرمایه بخش خصوصی اداره می‌شود، اما خوش بختانه سرمایه‌گذاران ریسک می‌کنند و به احترام مردم در جشنی که خود مردم می‌خواهند برگزار کنند، شرکت می‌کنند. به نظر من جشنواره فجر همیشه مهم‌ترین و پررونق‌ترین بخش از جشن‌های انقلاب بوده و به دلیل همین همیشه با حاشیه‌هایی نیز همراه بوده است، اما من بر این باورم که برگزارکنندگان جشنواره نیز دیگر به این شرایط عادت کرده‌اند. به هر حال، معمولا کسانی هستند که یک مقدار با ظرفیت کمتر با اتفاقات برخورد می‌کنند، افرادی هم هستند که دلشان می‌خواهد شاید نقش بیشتری در جشنواره داشته باشند، اما این اتفاق عملی نیست. بالاخره تیمی جشنواره را برگزار می‌کند و سال دیگر یا چند سال دیگر، تیم دیگری می‌آید و این چرخه‌ای طبیعی است. مهم این است که با وجود همه این فراز و نشیب‌ها جشنواره فجر نسبتش را با مردم حفظ کرده است و نباید خیلی نگران این حاشیه‌ها شد.

فیلم‌سازهای ما و موضوعات فیلم‌ها از دل مردم هستند، البته که ما خیلی دلمان می‌خواهد همه چیز بهتر شود و تلاش همه‌مان باید بیشتر از این باشد تا مسائل اصلی‌تر مردم تبدیل به فیلم شود. فیلم‌هایی که نتنها التیام‌اند، بلکه کمکی هستند برای راه‌یابی به مسائل و مشکلات جامعه و مردم. همه این موارد ادای دینی است که باید صورت بگیرد و جای خود را دارد، اما در برگزاری هر مراسم و رویدادی نباید ارزش، اهمیت، نقش و کارکرد آن را با وجود برخی کاستی‌ها، دست کم بگیریم.

فجر بوده و امسال نیز یکی از همان سال‌هاست. من با چند تن از دوستانی که امسال به عنوان کارگردان یا تهیه‌کننده در جشنواره فیلم دارم، صحبت کردم. همه‌شان متفق‌القول بودند که تا همین روزها که جشنواره در حال برگزاری است، همه عوامل به شکل شبانه‌روزی تلاش می‌کنند اثرشان را به جشنواره برسانند. به نظر من این مهم‌ترین شاخصه برای ارزیابی این رویداد است.

### ■ وجه‌خاطره‌انگیز جشنواره فیلم فجر برای شما از سال‌های دور تا امروز چه بوده است؟

همین شاخصی که به آن اشاره کردم، برای من جذاب‌ترین وجه جشنواره بوده که من آن را در هیچ جشنواره دیگری در کشور سراغ ندارم. من ۴۰ سال در حوزه فرهنگ و هنر فعالیت کردم و از بقیه حوزه‌ها نیز بی‌اطلاع نیستم. حتی جشنواره کارآفرینی را نیز تجربه کرده‌ام، اما هیچ‌کدام از آن‌ها نسبت و ارتباطی را که دست‌اندرکاران و صاحبان آثار جشنواره فجر با آن دارند، دارا نیستند. این تپش، التهاب، دغدغه و... از نکات جذاب این جشنواره است، هم چنین خیلی جاها دیدن اشک دست‌اندرکاران برای این‌که تلاششان را کردند که فیلمشان برسد اما نرسیده، یا به آن سطح که مدنظرشان بوده نرسیده و مخاطب با آن کمتر ارتباط برقرار کرده، همه این موارد مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که من را هم مثل بقیه دست‌اندرکاران جشنواره، به دنبال کردن این جشنواره و اتفاقاتش علاقه‌مند می‌کند تا در برگزاری و حفظ امنیت آن همه توانمان را به کار بگیریم و برای حاشیه‌زدایی از آن تلاش کنیم.

### ■ و همه این‌ها از نگاه شما به اهمیت این جشنواره برمی‌گردد. درست است؟

بله، همین‌طور است. جشنواره فجر یک مناسبت حرفه‌ای و تخصصی در سالگرد انقلاب اسلامی است و به عنوان یک جشن در حوزه تخصصی سینما برگزار می‌شود. شاخص‌هایی که درباره‌اش صحبت کردم، انرژی و نیروی مدیران را هم همانند دست‌اندرکاران مضاعف و معطوف به خودش کرده است. اما همه این‌ها خستگی‌هایی را که دوستان به خاطر فعالیت فیزیکی دارند، شیرین می‌کند.

### ■ جشنواره فیلم فجر هیچ‌وقت به دور از حاشیه نبوده و همیشه با حرف و حدیث‌هایی همراه بوده است. به نظرتان چرا نام جشنواره فجر با حاشیه عجین شده و این بحث‌ها قبل و بعد از جشنواره از کجا نشئت می‌گیرد؟

این مسئله از اهمیت این جشنواره نشئت می‌گیرد و نسبتی که این رویداد مهم با مردم و جامعه دارد. سالیان متمادی است‌اندازان، شهرداران مختلف و نمایندگان مجلس همه تلاششان را کردند تا این جشنواره در شهر یا استان آن‌ها نیز برگزار شود، یا حتی چند فیلم در استان آن‌ها نمایش داشته باشد، که این هم اهمیت زیاد این رویداد را نشان می‌دهد.

### ■ البته که این اتفاق در سال‌های اخیر افتاده است...

بله، خوش بختانه چند سالی است که ما بدون استثنا



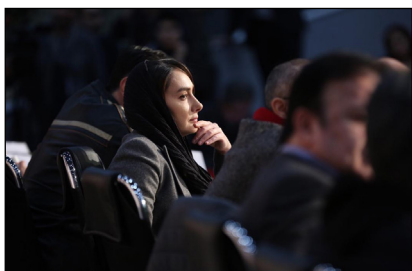


## نشست خبری فیلم‌شنای پروانه





### نشست خبری فیلم بی صدا حلزون



فصلنامه گزارش تصویری  
پولس سجایا سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر





### نشست خبری فیلم تومان



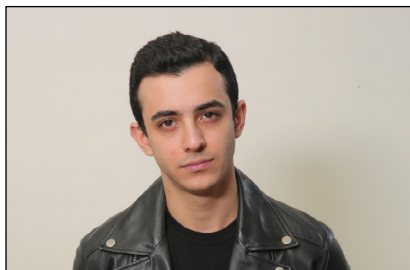
## آتلیه فجر





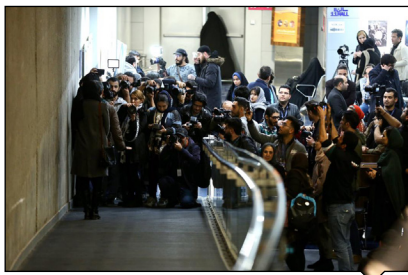


## آتلیه فجر





## در حاشیه



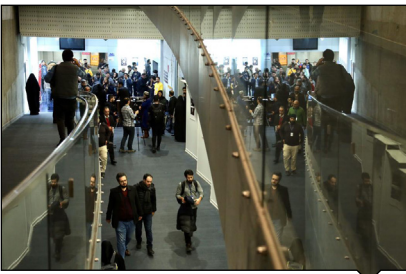
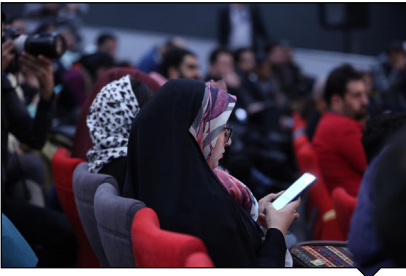
فصلنامه

مجلس شورای ملی و هشتمین جشنواره فیلم فجر  
گزارش تصویری





### در حاشیه





## در حاشیه



فصلنامه

پوشش مجاری آسی و هشتمین جشنواره فیلم فجر  
گزارش تصویری







# مخبرنامه

روزنامه‌های ایران  
روزنامه‌های ایران  
روزنامه‌های ایران